

مواجهه با تکنولوژی: تأملی بر دیدگاه‌های نظری و تجارب ایرانی

رضا همتی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۲۲ تاریخ بازنگری: ۹۷/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۴

چکیده

در حال حاضر تکنولوژی، به جزء جدایی‌ناپذیری از هستی اجتماعی انسان‌ها مبدل شده و مهم‌ترین عامل دگرگونی اجتماعی جوامع است. با این حال جوامع مختلف با توجه به قابلیت‌های فرهنگی خود واکنش‌های متفاوتی در قبال تکنولوژی داشته‌اند. برخی با درک صحیح ماهیت و اهمیت تکنولوژی مدرن، از آن به‌مثابه فرصتی بی‌نظیر برای پیشرفت خود بهره‌برداری کرده‌اند و برخی دیگر به‌صورت اقتضایی و نسنجیده به ورود تکنولوژی دست‌زده و با پیامدهای فرهنگی عدیده آن دست به‌گریبان‌اند. سؤال محوری مقاله این است که مواجهه ما با تکنولوژی چگونه بوده و چه تحلیل‌ها و چاره‌جویی‌هایی از سوی اندیشمندان ما در این خصوص ارائه شده است؟ برای پاسخ شایسته به این سؤال ابتدا دیدگاه‌های مختلف درباره تکنولوژی طرح و نقاط قوت و ضعف هر یک از آن‌ها به تفصیل مورد واکاوی قرار گرفت. سپس از منظر تاریخی، فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تلاش شد نحوه مواجهه جامعه ما با تکنولوژی مدرن تحلیل شود. نتایج نشان می‌دهد که در کنار برخورد دوگانه و پارادوکسیکال با تکنولوژی در جامعه ما، تلاش‌های نظام‌مندی برای فهم پروبلماتیک تکنولوژی نیز صورت گرفته است. در این راستا برای فهم تکنولوژی در بستر جامعه ایرانی توجه به تاریخ اجتماعی تکنولوژی و اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: تکنولوژی، پارادوکس تکنولوژی، چهره ژانوسی تکنولوژی، مطالعات تکنولوژی.

طرح مسئله

تکنولوژی یکی از مهم‌ترین عناصر حیات انسانی و نظام‌های اجتماعی است. فرهنگ مدرن بیش از هر دوره دیگری با محوریت تکنولوژی سازمان‌دهی شده و علم و تکنولوژی به مهم‌ترین ابزار برای مواجهه با جهان و طبیعت مبدل شده است. امروزه بیش‌ازپیش تکنولوژی در زندگی ما انسان‌ها حضور دارد و به‌نوعی می‌توان گفت که تکنولوژی در تمام ارکان زندگی ریشه دوانده و به‌طور فزاینده‌ای بر نگرش‌ها و کردارهای ما شکل می‌دهد. در حال حاضر تکنولوژی، علم و نوآوری در کانون بسیاری از مفهوم‌سازی‌ها نظیر جامعه اطلاعاتی، جامعه فرا صنعتی، جامعه فرا سرمایه‌داری، جامعه شبکه‌ای، جامعه و اقتصاد دانش‌بنیان قرار دارد. ارتباط میان توسعه تکنولوژی و مسائلی نظیر فقر، جنگ، تخریب زیست‌محیطی و بیماری‌های مختلف از یک‌طرف و مصرف فزاینده تکنولوژی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن برای کشورهای مصرف‌کننده از طرف دیگر، ضرورت توجه به رابطه بین تکنولوژی و جامعه را بیش‌ازپیش نشان می‌دهد.

کشورهای در حال توسعه مخصوصاً از دهه ۱۹۵۰ به بعد به اشکال مختلفی با تکنولوژی مواجه شدند: در دهه ۱۹۶۰، اصلی‌ترین فرآیند مورد توجه در این کشورها، اتخاذ و پذیرش^۱ تکنولوژی بود. پشتوانه نظری این اقدام تلقی بسیار ساده‌اندیشانه از تکنولوژی به‌مثابه مصنوعات فنی بود که به‌راحتی می‌توان آن را از محل اختراعش در شمال و کشورهای پیشرفته به محل استفاده و مصرف آن در جنوب و کشورهای در حال توسعه انتقال داد. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به انتقال^۲ تکنولوژی توجه شد و نگرش از تکنولوژی به‌مثابه مصنوعی فیزیکی به تکنولوژی به‌مثابه نظامی از مصنوعات و افراد، رویه‌ها و ترتیبات سازمانی تغییر یافت. در دهه ۱۹۸۰ دیدگاه سازگاری و اقتباس^۳ تکنولوژی رایج شد که در آن به کارآمدی و اثربخش نمودن هر چه بیشتر تکنولوژی در بستر کشورهای در حال توسعه تأکید گردید. در دهه ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و مخصوصاً در ۲۰۱۰ توجهات به نوآوری معطوف شد. در این دیدگاه تکنولوژی نوعی دانش ضمنی^۴ تلقی می‌شود که می‌توان آن را تحت حمایت شبکه‌هایی از سازمان‌ها و نهادها فرا گرفت (Heeks & Stanforth, 2015).

به‌طور کلی در کشورهای مصرف‌کننده مصنوعات تکنولوژیک، تغییرات تکنولوژیک در

-
1. adoption
 2. transfer
 3. adaptation
 4. embodied knowledge

سطح روبنایی صورت گرفته و در حوزه‌های زیرساختی تکنولوژی، وضعیت مطلوبی وجود ندارد. ورود و مصرف تکنولوژی‌های جدید با انتقال ارزش‌های فرهنگی ناسازگار با ریشه‌ها، معانی و ارزش‌های غایی آن‌ها، موجب کاهش انسجام فرهنگی یا تأخر فرهنگی^۱ در این جوامع شده است و این امر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فرهنگی در دوران معاصر ما است. «در تأخر فرهنگی، فرهنگ در پی تقابل با تکنولوژی برمی‌آید و تکنولوژی نیز تمایل دارد به محور انحصاری فرهنگ تبدیل شود. در چنین شرایطی جامعه دچار تعارض و دوگانگی بین اخلاق و تکنولوژی، میراث فرهنگی و تکنولوژی، فرهنگ عمومی و فرهنگ متخصصان، فرهنگ فنی و فرهنگ ادبی، فرهنگ سنتی و فرهنگ نوین، مصرف فرهنگی و تولید صنعتی، نظام تولید و نظام نیازها، میدان تولید و میدان مصرف، تولید کالا و تولید سلیقه‌ها، سبک اقتصادی و سبک زندگی می‌شود.» (Ghaneirad, 2015: 185-187) شواهد تاریخی ما نیز نشان می‌دهد که تکنولوژی بخشی از فرهنگ، هویت، پراکتیس و تجربه درونی ما نبوده است و ما برخوردی دوگانه و پارادوکسیکال با پروبلماتیک تکنولوژی داشته و داریم؛ از یک‌سو تکنولوژی را تقبیح می‌کنیم و از طرف دیگر شوق وافر و گاه جنون‌آمیزی برای داشتن آن داریم. شیفتگی به تکنولوژی با باور به سودمندی و مطلوبیت ذاتی آن به استفاده گسترده و نسنجیده از تکنولوژی دامن می‌زند و ترس از تکنولوژی نیز به دلیل باور به شرارت‌های ذاتی تکنولوژی به گریز از کاربرد آن، کناره‌گیری از دنیای تکنولوژیک، تخطئه تعصب‌آمیز تکنولوژی، مردود شمردن یا اجتناب نامعقول از برخی از جلوه‌های آن می‌انجامد. این دو نگرش مانع از بحث عقلانی درباره تکنولوژی و استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بی نظیر آن برای بازسازی جامعه می‌شود. برای مثال در مورد تکنولوژی اتومبیل، ضعف فرهنگ ترافیک و افزایش تصادفات و کشته‌های جاده‌ای ما^۲، زبانزد خواص و عوام بوده و اولین موضوعی است که نظر هر فرد ناآشنا با فرهنگ جامعه ما را به خود جلب می‌کند. از یک‌سو به صفحات شخصی چهره‌های مشهور ورزشی، فرهنگی و هنری و... در کانال تلگرام یا فیسبوک حمله می‌بریم و کامنت‌های توهین‌آمیز به زبان فارسی برای آن‌ها می‌نویسیم، از سوی دیگر از همین کانال‌ها برای ایجاد کمپین در حمایت از محیط‌زیست یا هویت ایرانی (نام خلیج فارس) و ... استفاده می‌کنیم. رفتار ما با اینترنت نیز این‌گونه است، از یک‌سو

1. Cultural lag

۲. در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۶ هزار و ۲۰۱ نفر (هر روز ۴۵ نفر) در حوادث رانندگی ترافیکی در کشورمان کشته شده‌اند.
(<http://faradeed.ir/fa/news/55700>)

مراجعات فراوانی به سایت‌های مستهجن در برخی از شهرهای مذهبی به چشم می‌خورد و از سوی دیگر با فیلترینگ حداکثری دولت مواجهیم. تمایل فزاینده و حیرت‌انگیز زنان ایرانی به تکنولوژی‌های تولیدمثل و زایمان نظیر استفاده از سزارین به‌جای وضع حمل طبیعی، عطش گهگاه جنون‌آمیز ما به تکنولوژی‌های زیبایی یا علاقه فزاینده پزشکان به تجویز بیش‌ازحد «ام آر آی» و «سی‌تی‌اسکن» برای بیماران، مثال‌های دیگر از رفتار پارادوکسیکال ما با تکنولوژی است.

حال سؤال اینجاست که چرا ما چنین مواجهه‌ای با تکنولوژی‌های مدرن داریم؟ راه حل‌ها و چاره‌جویی‌های اندیشمندان ما در مواجهه در این خصوص چیست؟ برای پاسخ به این سؤالات ابتدا تلاش می‌شود انواع دیدگاه‌های نظری مرتبط با تکنولوژی و نقاط ضعف و قوت آن‌ها بررسی شوند. سپس از منظرهای تاریخی، فلسفی، اجتماعی و فرهنگی نحوه مواجهه اندیشمندان با تکنولوژی و چاره‌جویی‌ها و راهکارهای آن‌ها تحلیل می‌شود.

دیدگاه‌های نظری معطوف به تکنولوژی

دیدگاه‌های نظری مختلفی در حوزه‌های جامعه‌شناسی، فلسفه، مطالعات علم و تکنولوژی، انسان‌شناسی و مطالعات ارتباطات در خصوص تکنولوژی وجود دارد. تلاش اغلب این نظریه‌ها معطوف به تحلیل و بررسی رابطه بین تکنولوژی و جامعه است و هر یک پرسش‌هایی را در مورد عاملیت، جبرگرایی/استقلال و غایت‌مندی^۱ آن مطرح کرده‌اند. در معنای محدود تکنولوژی همان مصنوعات فنی و ابزار است ولی در معنای گسترده می‌توان آن را به‌مثابه نظام‌های اجتماعی-تکنیکی یا آمیزه‌ای از مصنوعات فنی، انسان‌ها و سازمان‌ها در نظر گرفت (Dosek, 2006: 26-37).

به‌طور کلی در یک دسته‌بندی دو دیدگاه انسان‌شناختی (تکنولوژی امری خنثی و فاقد ذات و جوهر هستی‌شناختی و به‌مثابه ابزاری برای خدمت به اهداف و نیازهای آدمی) و هستی‌شناختی (تکنولوژی یک هستار جهت‌دار و دارای ذات و هستی معین با پیامدهای عینی و ساختاری خاص مستقل از نیت و آرزوهای انسانی) قابل‌تقسیم است همچنین می‌توان در قالب نگرش «خوش‌بینانه» یا فن‌دوستانه (رهایی) و «بدبینانه» یا فن‌هراسانه (اسارت) چهره‌ای ژانوسی برای تکنولوژی قائل بود (Ghaneirad, 2010). در کنار این دسته‌بندی‌ها از زاویه دیگر می‌توان رویکردهای نظری ذیل را در خصوص تکنولوژی و

نسبت آن با جامعه ارائه نمود. البته ادعا نمی‌شود این دسته‌بندی جامع‌ومانع است باین حال به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از دیدگاه‌ها و مباحث پیرامون تکنولوژی را پوشش می‌دهد.

۱- دیدگاه ابزاری^۱: این دیدگاه تکنولوژی را امری خنثی و بی‌طرف تلقی می‌کند. تکنولوژی از این نظر انعطاف‌پذیر بوده و از تکنولوژی‌های مشابه می‌توان برای مقاصد متفاوت استفاده کرد (Postma, 2009). در اینجا قضاوت‌های اخلاقی و سیاسی نه به ابزارها بلکه صرفاً به اهداف راجع است و تکنولوژی صرفاً بر اساس کارآمدی‌اش ارزیابی می‌شود. چنین تفکری توجهی به تصمیم‌سازی‌های اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی، اقتصادی و فنی صورت گرفته در طراحی و تولید تکنولوژی ندارد (Barney 2004, Winner, 1983). مفهوم‌سازی تکنولوژی به‌مثابه ابزار، بخشی از آن چیزی است که سلک و وایز (۲۰۰۵: ۳) آن را «نگرش معیار به تکنولوژی» می‌نامند (Hardin & Rottinghaus, 2105). هواداران این دیدگاه بر این باورند هیچ معنا و ارزشی در تکنولوژی آن‌چنان که بر ساخت‌گرایان مدعی اند یا سرشت لایتغیر، آن‌گونه که ذات‌گرایان ادعا دارند یا تعامل بین «امر اجتماعی» و «امر فنی»^۲ آن‌گونه که در رویکردهای اجتماعی-تکنیکی بیان شده، وجود ندارد. تکنولوژی، ابزار است مثل یک چکش که می‌توان برای هدف خاصی همچون کوبیدن میخ از آن استفاده کرد.

۲- دیدگاه محتوایی: در این دیدگاه، تکنولوژی خنثی و بی‌طرف نیست، بلکه متضمن ارزش‌های خاصی است. در این دیدگاه ادعا می‌شود تکنولوژی‌ها، توانایی‌های ذاتی دارند که می‌تواند در هر زمینه استفاده ظهور و بروز داشته باشد. از این گذشته عاملیت مصنوعات قابل‌تقلیل به عاملیت کنشگران انسانی درگیر در تولید، سامان‌دهی یا استفاده از آن‌ها نیست، این خصیصه خود مصنوعات است (Brey, 2005; Tavakol, 2011). برای مثال برونو لاتور^۳ از این بحث می‌کند که چگونه آثار مصنوعات مادی، مانند کمربند ایمنی و کلید هتل، کاربران خود را به رفتار خاصی وادار می‌کنند. واینر نیز مدعی است نیروگاه‌های هسته‌ای برای عملکرد مناسب نیازمند کنترل مدیریتی سلسله‌مراتبی و متمرکزند. علاوه بر این مثال‌های مختلفی می‌توان از تأثیرگذاری ارزش‌ها و فرهنگ‌ها بر شکل‌گیری و طراحی تکنولوژی آورد. برای مثال از نظر غربی‌ها، صفحه‌کلید (کیبورد) به لحاظ فنی خنثی است اما

1. Instrumental theory of technology

2. The technical

3. Latour, B

اگر رایانه برای اولین بار در ژاپن یا هر کشور دیگری که زبان اندیشه‌نگارانه^۱ داشت، ابداع و توسعه می‌یافت امکان نداشت که از کیبورد به‌عنوان دستگاه ورودی استفاده کنند و شاید آن‌ها ورودی‌های گرافیکی یا آوایی طراحی می‌کردند (Feenberg, 2003).

دیدگاه محتوایی با جبرگرایی^۲ قرابت‌هایی دارد. از نظر هر دو رویکرد، پیشرفت تکنولوژیک ماهیت خودکار و تک‌خطی دارد. تکنولوژی ذاتاً میل به سلطه دارد و پیشرفت‌های تکنولوژیک بعدی به‌جای اصلاح این روند، موجب وخیم‌تر شدن اوضاع آن می‌شود. فیبنرگ^۳ این نگرش را ذات‌گرایی می‌نامد. ذات‌گرایی مبتنی بر این باور است که تکنولوژی فقط و فقط یک ذات دارد و این ذات، عامل مسائل عمده تمدن مدرن است (Feenberg, 1999: 3). تکنولوژی‌ها ممکن است ذاتاً اقتدارگرا، دموکراتیک، ناعادلانه، مهارت زدا، سرکوبگر، تساوای طلب، فردگرا، مردانه، غربی و غیره باشند. از نظر لنگدون واینر^۴ برخی از تکنولوژی‌ها نظیر بمب اتمی «ذاتاً سیاسی» هستند (Brey, 2007). تلقی ذات‌انگارانه از تکنولوژی به جبرگرایی تکنولوژیک می‌انجامد که مدعی است «تکنولوژی پیشرفت جامعه را تعیین می‌کند» (Bijker et al., 1994: 238). برخی از روایت‌های مارکسیسم (به‌اصطلاح مارکسیسم مبتدل) با پذیرش یکی از معروف‌ترین اظهارنظرهای مارکس مبنی بر این که آسیاب دستی به جامعه فئودالی و آسیاب بخار به جامعه سرمایه‌داری صنعتی می‌انجامد، آن را مجوزی برای جبرگرایی تکنولوژیک می‌دانند. از نظر بیجکر^۵ جبرگرایی تکنولوژیک متضمن دو ایده است: تکنولوژی به‌صورت قائم‌به‌ذات پیشرفت می‌کند و تکنولوژی پیشرفت جامعه را تعیین می‌کند. وی بر این باور است که عاقلانه آن است که بنا به دلایل تحلیلی، واژه جبرگرایی تکنولوژیک را به ایده دوم نسبت دهیم (Salazar-Acosta & Holbrook, 2012).

۳- دیدگاه برساختی: این دیدگاه به حضور پارامترهای اجتماعی در شکل‌گیری تکنولوژی‌ها، توسعه و همین‌طور به‌کارگیری آن‌ها تأکید دارد (Tavakol, 2011; 28-30). در اینجا برخلاف دیدگاه محتوایی و جبری عمدتاً با اتکا به مطالعات تجربی به توسعه مصنوعات فنی خاص (نظیر دوچرخه) توجه می‌شود نه توسعه تکنولوژی به‌طور عام (Vermaas et al, 2012). بیجکر، هیوز و پینچ (1987) در دیدگاه «برساخت‌گرایی

-
1. Ideographic
 2. Technological determinism
 3. Feenberg
 4. Winner, L
 5. Bijker, W

اجتماعی تکنولوژی^۱ «مدعی‌اند که رابطه تکنولوژی و جامعه به صورت تک‌خطی نیست و با تحلیل طراحی مصنوعات تکنولوژیک خاص استدلال می‌کنند که فرایند طراحی، جبرگرایانه نیست. آن‌ها، تولید و گسترش تکنولوژی را تحت تأثیر عوامل اجتماعی و تصمیم‌های احتمالی تلقی کرده و افراد و گروه‌های تولیدکننده این تکنولوژی‌ها را تحلیل می‌کنند (Veak, 2000). این دیدگاه به انعطاف‌پذیری تفسیری شیوه استفاده از تکنولوژی و به توانایی گروه‌های مختلف اجتماعی برای ایجاد و غلبه بر تفاسیر مختلف از تکنولوژی توجه دارد (Bohrani, 2015: 66). همچنین استدلال می‌شود عاملیت تکنولوژی به‌طور کلی برآیند نحوه بازنمایی اجتماعی مصنوعات است. در نقد و تکمیل برساخت‌گرایی اجتماعی تکنولوژی، «برساخت اجتماعی متمایز»^۲ نه اولییتی به امر طبیعی یا فنی می‌دهد و نه اولییتی برای امر اجتماعی یا نمادین قائل است. بلکه بر این باور است برخی محدودیت‌ها، فیزیکی بوده، برخی برساخته اجتماعی و برخی دیگر تلفیقی از عوامل فیزیکی و اجتماعی‌اند. در «برساخت‌گرایی فرهنگی»^۳ ادعا می‌شود خود طراحان تکنولوژی در یک بستر اجتماعی مملو از ارزش‌های فرهنگی واقع شده‌اند و می‌کوشند تا آن نوع تکنولوژی را طراحی کنند که متناسب با فرهنگ اجتماعی، برساخته شده و متضمن محدودیت‌های فیزیکی و جامعه‌شناختی است که ارزش‌های فرهنگ مسلط را بازنمایی می‌کند و بالقوه مانع از پیشرفت اعضای فرهنگ‌های به حاشیه رانده شده می‌شود (Berger, 2008).

۴- دیدگاه فرهنگی: این دیدگاه، فرهنگ و تکنولوژی را نه به‌مثابه مقوله‌های متمایز و یا نیروهایی که به جهان شکل می‌دهد، بلکه به‌عنوان نیروهایی تلقی می‌کند که به‌طور متقابل یکدیگر را می‌سازند و به واقعیت مشترکی که مردم در آن زیست می‌کنند، شکل می‌دهند. دیدگاه فرهنگی به عدم قطعیت روابط قدرت، تولید، بازتولید و تحول این روابط توجه دارد و هرگونه گرایش به ذاتی سازی طبقه‌بندی متمایز «تکنولوژی» یا «فرهنگ» را مردود می‌شمارد. در مخالفت با تمایز قاطع بین فرهنگ و تکنولوژی، این دیدگاه مفاهیمی چون «فرهنگ تکنولوژیک»^۴ و یا «تکنو فرهنگ»^۵ را بکار می‌برد و ادعا می‌کند که فرهنگ همواره تکنولوژیک و تکنولوژی همواره فرهنگی بوده است. تکنولوژی در کانون اصلی فرهنگ قرار دارد و از آن جدا نیست. هیچ عصر تکنولوژیک وجود ندارد. فرهنگ انسانی

1. Social Construction of Technology (SCOT)

2. Differentiated constructivism

3. Culturally mediated constructivism

4. Technological culture

5. Technoculture

همواره با تکنولوژی وجود داشته است از صدا، سنگ، آتش گرفته تا ساعت، کامپیوتر و نانو تکنولوژی (Slack & Wise, 2005).

دیدگاه فرهنگی برخلاف دیدگاه انتقادی مدعی است مصنوعات تکنولوژیک یک نشانه نمادین و یک متن است و مصرف آن توسط سوژه‌ها با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد و جنبه نمادین دارد. در این دیدگاه به جای انفعال در برابر تکنولوژی به فرایندهایی نظیر خلاقیت، معنا سازی، رهایی یا مقاومت تأکید می‌شود. برای مثال بارت در قلمرو تکنولوژی دست به تحلیل‌های اسطوره‌شناسی می‌زند. از نظر وی برای مثال اتومبیل تنها پدیده‌ای مادی نیست که باید نحوه استفاده و کارکردش کشف شود بلکه پدیده‌ای فرهنگی است که باید با زبان فرهنگی فهم شود و مانند هر کالای دیگر زندگی روزمره بازنمای معنای فرهنگی است (Shahabi and Hoshangi, 2012). بودریار نیز با استفاده از تعبیری چون حاکمیت نشانه‌ها، فرا واقعیت، جامعه مصرفی و شبیه‌سازی می‌کوشد واقعیت مسئله تکنولوژی و پیوندهای عمیق آن را در دنیای جدید تشریح کند (Ghaneirad, 2010).

۵- دیدگاه انتقادی: نظریه انتقادی بجای توضیحات توصیفی از اینکه چطور اشیاء این‌گونه هستند به بررسی این امر می‌پردازد چرا آن‌ها این گونه‌اند؟ آیا می‌شد به نحو دیگری باشند. در این دیدگاه جایگاه تکنولوژی در جامعه مدرن مورد انتقاد قرار می‌گیرد. برای مثال لوییس مامفورد (پدر مطالعات انتقادی تکنولوژی) و ژاک الول به شدت منتقد هجوم افسارگسیخته به سمت تکنولوژی‌های جدید به‌عنوان مشخصه فرهنگ مدرنیست بودند. مامفورد تکنولوژی‌های سیستم‌مدار، قدرتمند و ناپایدار را از تکنولوژی‌های انسان‌مدار، نسبتاً ضعیف اما پرمایه و پایدار تفکیک می‌کند. وی با دفاع از تکنولوژی‌های دموکراتیک، از روند عمومی «پیشرفت» انسان به شدت نگران بود. ژاک الول نیز نقد مشابهی از جامعه مبتنی بر تکنولوژی ارائه داد و همچون تاریخ جهانی ماکس وبر که به قفس آهنین عقلانی شدن می‌انجامد، فرجام نهایی رشد تکنیک را جامعه مبتنی بر تکنولوژی عنوان می‌کند (Hess, 2019).

مواجهه با تکنولوژی: تأملی بر دیدگاه‌های نظری و تجارب ایرانی ۲۰۱

بیشترین نقش در نظریه انتقادی تکنولوژی را اعضای مکتب فرانکفورت، به‌ویژه آدرنو، هورکهایمر، مارکوزه و هابرماس ایفا کردند^۱. از نظر مارکوزه اگرچه موضوعات مرتبط با طراحی تکنولوژی اغلب به‌عنوان انتخاب‌های فنی بی‌طرف نشان داده می‌شود، ولی در عمل آن‌ها بیانگر ارزش‌های سیاسی یا اخلاقی‌اند. از نظر وی ماشین خنثی نیست، تکنولوژی همواره پروژه‌ای تاریخی-اجتماعی است و می‌توان از آن به نیت جامعه و منافع حاکم بر آن برای رفتار با انسان‌ها و اشیاء پی برد (Belu, 2005). از نظر مارکوزه تکنولوژی موجب عقلانی‌سازی هر چه بیشتر ناآزادی انسان شده و ثابت کرده که در شرایط تکنولوژیک خودمختاری فرد و تعیین حیات فردی ناممکن است. لذا ناآزادی نه به‌صورت غیرعقلانی و نه به‌صورت سیاسی بلکه به‌صورت پیروی از تجهیزات و ابزارهای فنی آشکار می‌شود که امکانات رفاهی زندگی را گسترش داده و بهره‌وری کار را افزایش داده است. مارکوزه، برخلاف هایدگر و آدرنو، معتقد است ساختار تاریخی عقلانیت تکنولوژیک قابل‌تغییر است. وی در مقالاتی در باب آزادی می‌گوید که «لزومی ندارد که اظهار شود نه تکنولوژی، نه تکنیک، نه ماشین عامل سرکوب نیستند، بلکه عامل سرکوب حکمرانانی هستند که کمیت تکنولوژی، عمر آن‌ها (از رده خارج کردن برنامه‌ریزی‌شده)، قدرت آن‌ها، جایگاه آن‌ها در زندگی و نیاز به آن‌ها را تعیین می‌کنند». وی مدعی است با اصلاح و تغییر نظام صنعتی مدرن، صورت‌هایی از خرد ابزاری متفاوت از آن صورت‌هایی که در جامعه طبقاتی تولید می‌شود، امکان‌پذیر است. این خرد ابزاری، شکل جدیدی از علوم و طراحی‌های تکنولوژیک جدید را ایجاد خواهد کرد که فاقد ویژگی‌های منفی علم و تکنولوژی است. علم و تکنولوژی جدید انسان‌ها را با طبیعت هماهنگ خواهد کرد تا اینکه این دو را در مقابل هم نشاناند (Feenberg, 1996).

هابرماس در مقاله «علم و تکنولوژی به‌مثابه ایدئولوژی» آرمان متفکران اجتماعی چون مارکوزه، بنجامین، آدرنو، بلوخ مبنی بر بازگرداندن هماهنگی انسان و طبیعت را تقبیح می‌کند. وی به ایده علم و تکنولوژی جدید مارکوزه به‌مثابه اسطوره رمانتیک می‌تازد. به باور وی، تکنولوژی از طریق کنش عقلانی-هدفمند (مثل کار) اساساً نیازهایی را بر طرف

۱. بی‌شک رویکرد انتقادی به تکنولوژی صرفاً به آثار مامفورد و الول یا اعضای مکتب فرانکفورت محدود نمی‌شود بلکه نحله‌های دیگر مثل رویکرد فمینیستی (نظیر مطالعات انتقادی تکنولوژی‌های تولید مثل و زایمان، تکنولوژی‌های خانگی توسط روث شوارتز کوهن، دیویس-فلوید، مرین استراترن) و اندیشمندانی چون نیل پستمن، پائول فریره، ایوان ایلچ و ... نیز در بر می‌گیرد که در این مجال امکان پرداختن به آنها میسر نیست. ایلچ در آثارش به شدت از جامعه صنعتی و تکنولوژی انتقاد کرده و معتقد است تکنولوژی در عمل به جای سودمندی راه تخریب را در جوامع جدید پیموده است.

می‌کند که در سرشت انسان ریشه دارد. از نظر هابرماس، پیشنهاد تکنولوژی جدید به‌اندازه پیشنهاد انسان‌های جدید، پوچ و بی‌معنی است. رهاسازی با تغییر تکنولوژی حاصل نمی‌شود زیرا تکنولوژی را نمی‌توان تغییر داد. از نظر هابرماس تکنولوژی یک پروژه ژنریک است، پروژه‌ای برای انسان‌ها به‌مثابه کل، نه پروژه‌ای برای یک دوره تاریخی خاص همچون جامعه طبقاتی یا برای طبقه خاص همچون بورژوازی. به‌طور خلاصه از نظر هابرماس تکنولوژی همواره غیراجتماعی بوده، رابطه با طبیعت را عینی کرده و میل به کامیابی و کنترل دارد (Feenberg, 1999: 152). لذا رهاسازی نه از طریق تکنولوژی‌های جدید آن‌گونه که مارکوزه مدعی است بلکه از طریق محدود کردن خرده سیستم هدفمند-عقلانی به حوزه‌های جدید تضاد صورت می‌گیرد (Veak, 2006).

۶- دیدگاه تلفیقی: این دیدگاه تلاش می‌کند دوانگاری‌ها و تضاد بین تکنولوژی و جامعه را کاهش داده و یا بین این دو آشتی برقرار کند. از جمله این دیدگاه‌ها می‌توان به نظریه کنشگر-شبکه (لاتور و دیگران) و «نظریه انتقادی تکنولوژی» (فینبرگ) اشاره کرد. البته نگاه تلفیقی و تقاطع طبیعت و فرهنگ یا مرزهای فنی و انسانی در بحث‌های میشل فوکو درباره دستگاه قدرت^۱ و بحث‌های دانا هاروی از دورگه‌ها و سایبرگ‌ها^۲ نیز قابل مشاهده است.

نظریه کنشگر شبکه^۳ با توجه به ماهیت تلفیقی و نوآوری نظری و روشی یکی از رویکردهای تأثیرگذار در مطالعات تجربی علم و تکنولوژی است. این نظریه با اتکا به اصل تقارن هستی‌شناسی برنامه‌های قوی^۴ دیوید بلور، نه برای توصیف‌های طبیعی و فنی (رد رنالیسم و جبرگرایی) و نه برای توصیف‌های فرهنگی (برساخت‌گرایی اجتماعی) از تکنولوژی مزیتی قائل نیست (Crawford, 2004). این نظریه از این ایده جبرگرایانه فاصله می‌گیرد که تکنولوژی به‌عنوان یک نیروی بیرونی بر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و ادعا می‌کند که تکنولوژی از دل منافع اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای سر برمی‌آورد و به‌طور بالقوه توان آن را دارد که بر تعاملات اجتماعی تأثیر بگذارد (Prout, 1996). در همین راستا از نظر لاتور مصنوعات چنان مستقل و خودمختار نیستند که اراده خود را بر ما تحمیل کنند،

1. Apparatus of power

2. Hybrids and cyborgs

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد نظریه کنشگر-شبکه (Actor-Network Theory) به این کتاب مراجعه کنید: رحمان شریف زاده (2018) مذاکره با اشیا: برونو لاتور و نظریه کنشگر-شبکه. تهران نشر نی.

4. Strong program

مواجهه با تکنولوژی: تأملی بر دیدگاه‌های نظری و تجارب ایرانی ۲۰۳

آن‌ها با انسان‌ها آمیزش تاریخی داشته‌اند و به نحوی ماهیت یکدیگر را شکل داده‌اند، ثانیاً انسان نمی‌تواند از مصنوعات همچون وسیله صرف استفاده کند چراکه آن‌ها واسطه‌هایی^۱ هستند که تا حدی تصمیم‌های ما را تغییر می‌دهند و تعدیل می‌کنند. به عبارتی دقیق‌تر ما نه «به وسیله» مصنوعات، بلکه «به همراه» آن‌ها تصمیم می‌گیریم و عمل می‌کنیم. چنین نیست که یا انسان مختار و تصمیم‌گیر است و تکنولوژی وسیله، یا انسان مجبور و تابع است و تکنولوژی خودمختار. انسان‌ها در درون شبکه‌ای از کنشگران انسانی و غیرانسانی (اجتماعی و فنی) تصمیم می‌گیرند و این نه از انسان سلب اراده می‌کند و نه به مصنوعات قصدیت می‌دهد (Sharifzadeh, 2016). انسان امروزی، یک انسان اجتماعی خالص نیست، بلکه یک موجود اجتماعی-فنی است و به همین شکل تکنولوژی‌ها نیز پدیده‌های فنی محض نیستند، آن‌ها نیز اجتماعی-فنی‌اند، آن‌ها تجسّدی از علایق، قصدها، مسائل، هنرهای انسانی‌اند که این موارد نیز همگی اجتماعی فنی‌اند. انسان با آمیختگی و پیوند با مصنوعات تبدیل به «انسان» شده است. برای مثال اگر شما کامپیوتر، همکاران، محل کار، کتاب‌ها، میز مطالعه و تلفن یک جامعه‌شناس را از وی بگیرید، ایشان دیگر آن جامعه‌شناسی نخواهد بود که مقاله می‌نویسد، سخنرانی می‌کند و به تولید دانش می‌پردازد، بلکه چیزی کاملاً متفاوت خواهد بود (Law, 1992).

دیدگاه تلفیقی دیگر «نظریه انتقادی تکنولوژی» است. مفهوم «نظریه انتقادی تکنولوژی» اولین بار در کتابی با همین عنوان در سال ۱۹۹۱ توسط آندرو فینبرگ، دانشجوی سابق مارکوزه مطرح شد. نظریه انتقادی تکنولوژی، نظریه اجتماعی-فلسفی درباره تکنولوژی است که از یک طرف دلالت بر نوعی فلسفه تکنولوژی دارد که از نگرش‌های حاکم در این حوزه (ابزارگرایی، ذات‌گرایی و جبرگرایی) متمایز است، از طرف دیگر این نظریه بیانگر ارتباط فلسفه موردنظر فینبرگ و میراث مکتب انتقادی است. از این رو فینبرگ نظریه خود را «نظریه انتقادی تکنولوژی» و سایر دیدگاه‌های انتقادی موجود در این حوزه را «نظریه‌های انتقادی تکنولوژی» می‌نامد (Feenberg, 2009).

«نظریه انتقادی تکنولوژی» با بازسازی، نقد و تلفیق دیدگاه‌های فلسفی و جامعه‌شناسی، فهم شایسته‌ای از پروبلماتیک تکنولوژی در جامعه مدرن ارائه می‌دهد. فینبرگ با توصیف دیالکتیکی از تکنولوژی به ترکیب نظریه اجتماعی و فلسفه به‌منظور غلبه بر رهیافت‌های تک‌ساحتی که تکنولوژی را ذات‌گرا کرده یا آن‌ها به واقعیت‌های اجتماعی

تقلیل می‌دهند، همت می‌گمارد. فینبرگ مدعی است تکنولوژی همواره پدیده‌ای است که به لحاظ اخلاقی و سیاسی رمزی شده و بی‌طرفی آن صرفاً ایدئولوژیکی است (Feenberg, 2005). فینبرگ در عدم پذیرش تقدیرگرایی آلول یا هایدگر با رویکرد ابزارگرایی هم‌داستان است. این نظریه نه با پیروزی تکنولوژی ناامید شده و نه درصدد احیاء روح انسانی از حوزه ای فراتر از جامعه همچون مذهب یا طبیعت است. وی مدعی است هیچ تغییر دموکراتیک اصیل و تغییر سیاسی مترقی، بدون تغییر فنی و بدون بازسازی تکنولوژی و همچنین هیچ تغییر رادیکال تکنولوژی بدون تحول سیاسی دموکراتیک صورت نمی‌گیرد. از منظر وی، این دو پیوند وثیقی با همدیگر دارند و بازسازی اجتماعی رادیکال باید هدفش دگرگونی جامعه و تکنولوژی باشد. رابطه انسان و تکنولوژی در آثار فینبرگ نشان از تأکید او بر رفع‌ورجوع مسائل فنی به دست انسان و قدرت عاملیت وی دارد و تکنولوژی نه جبرگرایانه و غیر قابل تغییر بلکه قابل شکل‌دهی به‌وسیله انسان است (Kellner, 2001). فینبرگ در این نظریه ضمن مخالفت با تفکر ویران‌شهرگرایانه امثال هایدگر، آلول، مارکوزه، فوکو و غیره که کنشگران را مقهور فرهنگ تکنولوژیک حاکم تلقی می‌کنند، با اتخاذ ایده اجتماع دموکراتیک هابرماس، راه برون‌رفت از این وضعیت و بی‌اثر سازی این هژمونی را جایگزینی ارزش‌های دموکراتیک بجای ارزش‌های نظام سرمایه‌داری از طریق جنبش‌های اجتماعی معرفی می‌کند. فینبرگ همچنین طراحی فنی تکنولوژی‌ها توسط جوامع را مورد توجه قرار می‌دهد و اعتراض‌ها و مشارکت عمومی در انتخاب طراحی تکنولوژی را اقدامی خطیر می‌داند.

جدول (۱): مقایسه ویژگی‌های دیدگاه‌های نظری مختلف در باب تکنولوژی

Table 1: Comparison of different theoretical perspectives on technology

دیدگاه‌های نظری	ماهیت تکنولوژی	کانون توجه	نسبت تکنولوژی و جامعه	امکان تغییر تکنولوژی	دیدگاه نظری غالب
دیدگاه ابزاری	- خنثی و بی‌طرف (عدم باور به تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی، اقتصادی و فنی در طراحی و تولید تکنولوژی) - تکنولوژی ابزاری برای خدمت به جامعه	تکنولوژی به صورت عام	جدایی فرهنگ و تکنولوژی	امکان ناپذیری تغییر تکنولوژی به دلیل آنکه سرنوشت محتوم است	غلبه دیدگاه‌های سیاسی
دیدگاه محتوایی (ذات‌گرایی و جبرگرایی)	- جهت‌دار و ارزش‌بار - دارای ذات و سرشت خاص خود - پیشرفت تکنولوژی به صورت قائم‌به‌ذات - تکنولوژی ابزاری برای کنترل و سلطه بر جامعه - تعیین‌کنندگی پیشرفت جامعه توسط تکنولوژی	عاملیت تکنولوژی و پیامدهای تکنولوژی به صورت عام	- جبرگرایی: قائل به تأثیر تکنولوژی بر ساختار جامعه و فرهنگ - ذات‌گرایی: عدم تأثیرپذیری تکنولوژی از جامعه	امکان ناپذیری تغییر تکنولوژی	غلبه دیدگاه‌های فلسفی نظیر هایدگر و ژاک الو
دیدگاه برساختی	- تکنولوژی فاقد ذات خاصی است بلکه محصول نیروهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است. - توجه به بازنمایی‌های اجتماعی تکنولوژی	مطالعه تجربی تولید و گسترش تکنولوژی‌های خاص و تغییرات فنی	ارتباط تنگاتنگ و درهم‌تنیدگی و تکوین مشترک امر اجتماعی و فرهنگی و سیاسی با امر تکنولوژیک و فنی	انعطاف‌پذیری تفسیری شیوه استفاده از تکنولوژی	غلبه دیدگاه‌های جامعه‌شناختی نظیر واجمن، بیچکر و پینچ

<p>غلبه دیدگاه‌های انسان‌شناسی و فرهنگی نظیر بارت و بودیوار</p>	<p>تغییر تکنولوژی از طریق تفسیر و فهم متفاوت از معنای آن</p>	<p>درهم تنیدگی و تکوین مشترک امر فرهنگی و امر تکنولوژیک (تکنو فرهنگ، فرهنگ تکنولوژیک)</p>	<p>عاملیت انسان</p>	<p>- تکنولوژی به‌مثابه نشانه نمادین و یک متن - توجه به سوژه‌ها و انگیزه‌های آن‌ها در مصرف تکنولوژی - توجه به توجه به بازنمایی‌های فرهنگی تکنولوژی</p>	<p>دیدگاه فرهنگی</p>
<p>غلبه دیدگاه‌های مختلف انتقادی، مکتب فرانکفورت، اندیشمندان فمینیستی و اندیشمندانی چون الول، پستمن، فریره، ایلچ و ...</p>	<p>دیدگاه‌های متفاوت در خصوص تغییر تکنولوژی</p>	<p>تکنولوژی به‌مثابه پروژه‌ای تاریخی-اجتماعی (مارکوزه) تکنولوژی به‌مثابه یک پروژه ژنریک نه پروژه‌ای برای یک دوره تاریخی خاص (هابرماس)</p>	<p>تکنولوژی به‌صورت عام (مکتب فرانکفورت) و خاص (رویکردهای فمینیستی)</p>	<p>- ارزش بار بودن تکنولوژی - ارزش‌های سیاسی یا اخلاقی - تکنولوژی همواره غیراجتماعی بوده، رابطه با طبیعت را عینی کرده و میل به کامیابی و کنترل دارد (هابرماس)</p>	<p>دیدگاه انتقادی</p>
<p>اندیشمندانی چون لاتور، فینبرگ، هاراوی، فوکو</p>	<p>آشتی بین تکنولوژی و جامعه</p>	<p>تغییر تکنولوژی از طریق جایگزینی ارزش‌های دموکراتیک بجای ارزش‌های نظام سرمایه داری از طریق جنبش‌های اجتماعی (فینبرگ)</p>	<p>عاملیت انسان و تکنولوژی به‌صورت مشترک</p>	<p>- تکنولوژی پدیده‌ای اجتماعی فنی است، نه صرفاً فنی و نه صرفاً اجتماعی - تکنولوژی پدیده‌ای اخلاقی و سیاسی نیز است</p>	<p>دیدگاه تلفیقی</p>

ارزیابی انتقادی دیدگاه‌های نظری مرتبط با تکنولوژی

دیدگاه ابزاری به تکنولوژی پیچیدگی آن را تقلیل داده، قابلیت‌های معرفت‌شناختی آن را نادیده گرفته و نگرش مثبت غیر انتقادی به توسعه و استفاده از تکنولوژی دارد. به‌طور کلی دیدگاه ابزاری محل مناقشه است چراکه اعتقاد دارد تکنولوژی که در دنیا جدید تولید شده، یک پدیده جهانی خنثی و بی‌طرف است و مقید به فرهنگ خاصی نیست درحالی‌که دیدگاه‌های اخیر مدعی‌اند تکنولوژی مملو از ارزش‌ها و به تعبیری ارزش بار است و ایدئولوژی،

منابع و ارزش‌های تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن‌ها را بازتاب می‌دهد. دیدگاه محتوایی تاندازه‌ای قابل دفاع است اما آنجا که به ذات‌گرایی یا جبرگرایی نزدیک می‌شود توان تبیینی‌اش را از دست می‌دهد چراکه مدعیات آن فاقد پشتوانه پژوهش‌های تجربی است. کاستی اصلی دیدگاه محتوایی به تکنولوژی غفلت از عوامل اجتماعی و به‌ویژه بازنمایی اجتماعی تکنولوژی است. در نقد دیدگاه محتوایی می‌توان گفت که تکنولوژی‌ها کردار خاصی را تحمیل نمی‌کنند و ما نیز به خود تکنولوژی واکنش نشان نمی‌دهیم بلکه به معنا یا معناهایی که از تکنولوژی در یک بستر اجتماعی خاص درک می‌کنیم، واکنش نشان می‌دهیم و بر این اساس نوع کاربری و دلالت‌هایش را مشخص می‌کنیم. تکنولوژی‌ها از «انعطاف‌پذیری تفسیری» برخوردارند به طوری که افراد می‌توانند ویژگی‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های بسیار متفاوتی به آن‌ها نسبت دهند. مشکل دیدگاه محتوایی آن است که به‌طور نظام‌مند نقش واسطه‌ای بازنمایی‌های اجتماعی بین تکنولوژی و زمینه اجتماعی آن را دست‌کم می‌گیرد. از طرف دیگر زمانی که به جبرگرایی نزدیک می‌شود و ادعای هویتی خود آیین و مستقل برای تکنولوژی می‌کند از عوامل بیرونی غفلت می‌ورزد. سلطه این نگاه موجب می‌شود که عمدتاً به این موضوع بیندیشیم که چگونه خود را باید با تغییرات تکنولوژیک انطباق دهیم تا آنکه به فکر تأثیرگذاری بر آن باشیم. سرانجام این دیدگاه موجب غفلت از برخی از ابعاد حیاتی تکنولوژی از بحث و بررسی عمومی، انتخاب و سیاست‌گذاری می‌شود.

دیدگاه «برساخت‌گرایی اجتماعی تکنولوژی» مدعی است که تکنولوژی تا حد زیادی محصول نیروهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. این دیدگاه نقش ویژه‌ای به عناصر اجتماعی مانند گروه‌های اجتماعی و بازنمایی‌های اجتماعی تکنولوژی قائل است. با این حال در تبیین‌های این دیدگاه، توجه به مسائل ساختاری و عناصر «طبیعی» یا «فنی» مانند نیروهای طبیعی و وسایل فنی کمرنگ است (اگرچه در رویکردهای جدید تلاش شده این نقیصه برطرف شود). همچنین این دیدگاه اگرچه نشان می‌دهد که چگونه تکنولوژی‌ها شکل می‌گیرند، اما به پیامدهای اجتماعی گزینش تکنولوژی‌ها از جمله حس افراد نسبت به خودشان، بافت اجتماعات انسانی، کیفیت زندگی روزمره و توزیع قدرت توجه نمی‌کند. این دیدگاه فاقد یک موضع هنجاری، ارزیابانه یا اصول اخلاقی یا سیاسی است تا بر اساس آن درباره امکان‌های تکنولوژی و گزینش‌های پایه دآوری نمود. مهم‌تر از همه این دیدگاه، صرفاً به گروه‌هایی توجه می‌کند که در برساختن تکنولوژی نقش دارند، ولی از گروه‌هایی

که از آن تأثیر می‌پذیرند غفلت می‌ورزد.

دیدگاه‌های انتقادی به تکنولوژی مدرن توسط مارکس، هایدگر و ال و بعدها توسط مکتب انتقادی مطرح شد. متفکران مکتب فرانکفورت برخلاف رویکرد غیر تاریخی، فلسفی و هستی‌شناختی امثال هایدگر که سلطه تکنولوژیک را به‌مثابه منظومه خاصی از هستی در عصر مدرن تلقی می‌کند. سلطه تکنولوژیک مدرن را مختص ظهور جامعه مصرفی سرمایه‌داری می‌دانند. به‌طور کلی دیدگاه انتقادی برخلاف نظریه ابزاری، تکنولوژی را خنثی، بی‌طرف و فارغ از ارزش نمی‌انگارند بلکه بر پیوند و سازگاری آن با نظام‌های اجتماعی و سیاسی خاصی تأکید دارد. از طرف دیگر دیدگاه‌های انتقادی برخلاف دیدگاه برساخت‌گرایی به انتقاد از نقش تکنولوژی در توزیع و اعمال قدرت می‌پردازند و آثار و پیامدهای ویرانگر نظام تکنولوژیک را نیز تحلیل می‌کند. باین‌حال این دیدگاه علی‌رغم موضع انتقادی‌اش، به دلیل ضدیت با تکنولوژی و غفلت از جنبه‌های مثبت آن یا به دلیل بیگانگی با (تجارب انسانی) کردارهای تکنولوژیک خاص قابل نقد است. از طرف دیگر این دیدگاه تنها در مرحله نقد و نقادی متوقف می‌شود و راهکارهای آن برای برون‌رفت از وضعیت موجود اغلب آرمان‌پردازانه است.

نظریه «کنشگر شبکه» به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های تلفیقی در خصوص تکنولوژی ادعا می‌کند که تکنولوژی نه صرفاً مصنوع فنی فارغ از ارزش است که بتوان آن را در هر بستری بدون توجه به خاستگاه فرهنگی اولیه‌اش بکار بست و نه تکنولوژی صرفاً اجتماعی (یا فرهنگی، سیاسی و ...) است که امکان به‌کارگیری آن در بسترهای دیگر ناممکن باشد. تکنولوژی در اصل هستاری دورگه است. این دیدگاه برخلاف برساخت‌گرایی اجتماعی به همه ذی‌نفعان خواه تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان و حتی آن‌هایی توجه دارد که از تکنولوژی تولیدشده تأثیر پذیرفته‌اند. باین‌حال مهم‌ترین مسئله این دیدگاه ناتوانی در توصیف بسترهای گسترده درگیر در تولید تکنولوژی همچون بسترهای سیاسی و نهادی است.

«نظریه انتقادی تکنولوژی» فینبرگ به‌شدت با دیدگاه جبرگرایانه در خصوص تکنولوژی مخالف است و مدعی است که انسان و قدرت کنشگری آن‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان به تکنولوژی شکل داد و از طریق جنبش‌های اجتماعی، ارزش‌های دموکراتیک را جایگزین ارزش‌های نظام سرمایه‌داری کرد؛ اما مشکل اصلی این دیدگاه شکاف تکنولوژیک بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده تکنولوژی است. به همین

دلیل بسیاری از کشورها قادر نیستند از دستاوردهای جهانی طراحی تکنولوژیک استفاده کنند و درعین‌حال، بدون قطع ارتباط با بازار جهانی، برخی ارزش‌های فرهنگی خود را در طراحی وارد سازند. از طرف دیگر به نظر نمی‌رسد فرهنگ‌های مختلف بتوانند به ارزش‌های جدید برای مشارکت در رویه طراحی تکنولوژیک دست یابند و از این طریق، فضای تکنولوژیک مطلوب‌تری را رقم زنند. با توجه به تعمیق شکاف تکنولوژیک، طبیعتاً چنین چیزی برای همه کشورها مخصوصاً کشورهای مصرف‌کننده تکنولوژی مقدور نیست. از طرف دیگر که اگرچه واردکردن ارزش‌های ملی در طراحی امکان‌پذیر است، با این حال ممکن است همه اقدامات صورت گرفته در عمل به موفقیت نینجامد. انتقاد دیگر، خوش بینی بیش‌ازحد فینبرگ به جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان بازوی اصلی دموکراتیک ساختن تکنولوژی است. ویک (۲۰۰۰) با اشاره به تاریخ فعالیت‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد که جنبش‌های مردمی درنهایت یا توسط سرمایه‌داری شرکتی^۱ سرکوب می‌شوند و یا ماشین بوروکراتیک واشنگتن آن‌ها را جذب خود می‌کند. از طرف دیگر، مشارکت گروه‌ها و جنبش‌های مختلف در طراحی تکنولوژی به‌طورکلی راهکار قاطعی برای برون‌رفت از فضای تکنولوژیک حاکم نیست چراکه تمرکز زیاد بر «سیاست خرد»^۲ مبارزات محلی بر سر طراحی تکنولوژی، عمدتاً موجب غفلت از متغیرهای کلان و چارچوب‌های گسترده‌تر، نظیر نظام بازار جهانی شده می‌شود. برای مثال دموکراتیک شدن اینترنت برای یک روستایی ساکن در یک کشور آسیایی که به امکانات اولیه زندگی دسترسی ندارد و دغدغه اصلی‌اش، آب آشامیدنی، غذا و سوخت سالم است، بی‌معناست. به نظر می‌رسد علی‌رغم ادعای انتقادی بودن نظریه فینبرگ، این نظریه به‌اندازه کافی تکنولوژی را که خود جزء لاینفک نظامی است که اساساً شکاف بین داراها و ندارها را افزایش می‌دهد، زیر سؤال نمی‌برد. لذا نقد تکنولوژی اهمیت دارد، اما مهم‌تر از آن باید آن نیرویی (سرمایه‌داری) را به چالش کشید که تکنولوژی را به‌پیش می‌راند. بنابراین آنچه ضرورت دارد نه «هرمنوتیک تکنولوژیک بازتابی»^۳ بلکه نقد مداوم نظام بازار جهانی است. فینبرگ در تجلیل دموکراتیک نمودن تکنولوژی در بسترهای محدود تا حد زیادی این واقعیت را نادیده می‌گیرد که ما در نظام‌های تکنولوژیک گرفتار شده‌ایم که ما را هر چه بیشتر از دنیای واقعی دور می‌سازد، دنیایی که در

1. Corporate capitalism

2. Micro-politice

3. Reflexive hermeneutic technology

آن بسیاری از کشورهای در حال توسعه، هنوز با مشکلات عدیده‌ای که زندگی‌شان را تهدید می‌کند، مواجه‌اند.

جدول (۲): خلاصه نقدهای وارد بر دیدگاه‌های نظری مختلف در باب تکنولوژی

Table 2: Summary of criticisms of different theoretical perspectives on technology

نقدها	دیدگاه‌های نظری
<ul style="list-style-type: none"> - بی‌توجهی به تصمیم‌سازی‌های اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی، اقتصادی و فنی در طراحی و تولید تکنولوژی - بی‌توجهی به نحوه تکوین تکنولوژی‌های مختلف - تقلیل پیچیدگی تکنولوژی، نادیده انگاری قابلیت‌های معرفت‌شناختی آن - داشتن نگرش مثبت غیر انتقادی به توسعه و استفاده از تکنولوژی 	دیدگاه ابزاری
<ul style="list-style-type: none"> - فاقد پشتوانه پژوهش‌های تجربی - غفلت از عوامل اجتماعی و به‌ویژه بازنمایی اجتماعی تکنولوژی - نادیده انگاری نظام‌مند نقش واسطه‌ای بازنمایی‌های اجتماعی بین تکنولوژی و زمینه اجتماعی - غفلت از تأثیر عوامل بیرونی بر تکنولوژی - غفلت از برخی از ابعاد حیاتی تکنولوژی از بحث و بررسی عمومی، انتخاب و سیاست‌گذاری 	دیدگاه محتوایی (ذات‌گرایی و جبرگرایی)
<ul style="list-style-type: none"> - بی‌توجهی به پیامدهای اجتماعی گزینش تکنولوژی‌ها - فقدان یک موضع هنجاری، ارزیابانه یا اصول اخلاقی یا سیاسی - غفلت از گروه‌های تأثیرپذیر از تکنولوژی 	دیدگاه برساختی
<ul style="list-style-type: none"> - گرفتار شدن در گفتمان‌گرایی و متن‌گرایی - تأکید بر ساختارهای زبانی و معرفتی تا ساختارهای کلان اقتصادی و سیاسی 	دیدگاه فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - غفلت از جنبه‌های مثبت تکنولوژی - توقف در مرحله نقد و نقادی - آرمان‌پردازانه بودن راهکارهای پیشنهادی برای برون‌رفت از وضعیت موجود 	دیدگاه انتقادی
<ul style="list-style-type: none"> - بی‌توجهی به شکاف تکنولوژیک بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده تکنولوژی - بی‌توجهی به ناتوانی بسیاری از کشورها در استفاده از دستاوردهای جهانی طراحی تکنولوژیک و وارد ساختن ارزش‌های فرهنگی خود به طراحی تکنولوژی بدون قطع ارتباط با بازار جهانی - خوش‌بینی بیش‌ازحد به جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان بازوی اصلی دموکراتیک ساختن تکنولوژی - غفلت از متغیرهای کلان و چارچوب‌های گسترده‌تر، نظیر نظام بازار جهانی 	دیدگاه تلفیقی

تکنولوژی مدرن و نسبت ما با آن

همان‌طور که بررسی اجمالی رویکردهای نظری نشان می‌دهد تکنولوژی دارای ابعاد و جنبه‌های مختلفی است، تکنولوژی صرفاً ابزار نیست بلکه متضمن ارزش‌ها و معانی خاصی است که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان درگیر از آن استنباط می‌کنند و محصول و برآمده از یک بستر فرهنگی و نظام اجتماعی است. در این بخش تلاش می‌شود از چهار منظر تاریخی، فلسفی، اجتماعی و فرهنگی مواجهه ما با تکنولوژی تبیین شود.

الف) منظر تاریخی: از منظر تاریخی مواجهه ما با تکنولوژی به شکل طبیعی و خودانگیخته نبوده است بلکه مقتضیات، الزام‌ها و اجبارهای بیرونی موجب شد که به اهمیت علم و تکنولوژی آگاه شویم. تکنولوژی در کشور ما پدیده‌ای عارضی، عاریتی، دفعتی و اقتضایی بوده است نه پدیده‌ای که طی یک فرایند طبیعی، مستمر، انباشتی و نظام‌مند شکل گرفته باشد. بعد از حمله مغول و فاصله‌گیری از دوران طلایی پیشرفت مسلمین شاهد از بین رفتن سنت‌های علمی‌مان در تمامی بخش‌های آن (پزشکی، ریاضیات، ستاره‌شناسی، مهندسی و...) و ارتباط ضعیف و غیر نهادینه‌شده بین علم و تکنولوژی و ناتوانی تکنولوژی سنتی از پاسخگویی به نیازهای جدید جامعه بودیم. علوم ما در دوره اسلامی همزیستی و ارتباط چندانی با تکنولوژی نداشته‌اند. «دانش کهن منجر به پیشرفت کشاورزی، خانه‌سازی، صنایع نساجی و حتی صنایع نظامی نشد. تنظیم چیر توسط خوارزمی نقطه عطفی در تاریخ تفکرات ذهنی بشر به شمار می‌رفت اما در این دوره تکوینی هرگز نمی‌توان شواهدی دال بر کاربردهای علوم و ریاضیات یافت. در حقیقت ریاضیات پیش از تولد تمدن مدرن در اروپا ارتباط روشنی با تکنولوژی نداشت. تکنولوژی به‌عنوان یکی از کارکردهای علم در قرن نوزده متولد شد. علوم و ریاضیات در تمدن اسلامی رابطه بی‌واسطه‌ای با نیازها و تقاضاهای اجتماع نداشتند. البته موارد استثنایی هم وجود داشتند اما همواره در حاشیه باقی ماندند». در مجموع علم اسلامی میانه هرگز موفق به ایجاد سازمان‌های اقتصادی نشد، هیچ فعالیت جدی را پایه‌ریزی نکرد و مجامع کارشناسی را به وجود نیاورد. حذف تقریبی علوم عقلی از برنامه درسی مدارس اسلامی هیچ سازوکار جدی دیگری را برای رشد و گسترش این علوم باقی نگذاشت (Hoodbhoy, 2005: 211).

به لحاظ تاریخی، برخورد سطحی ما با غرب و عدم آگاهی از سرشت واقعی فرهنگ و تمدن غرب موجب شد صرفاً به مصرف مصنوعات غربی بسنده نماییم. به عبارت بهتر ما با تکنولوژی غرب همان‌گونه مواجه شدیم که با تفکرش. از طرف دیگر درک مناسبی از

ضرورت توسعه تکنولوژیک در میان بسیاری از ایرانیان و به تبع روشنفکران، متفکران و رهبران انتزاعی‌اندیش وجود نداشته و تأکید سلبی بر تکنولوژی بیشتر مشهود بوده است (Abdul Karimi, 2014). پروفیسور عبدالسلام (2016: 178) نیز معتقد است «ما از فقدان عزم و اراده ملی برای اکتساب علوم [و تکنولوژی] و از احساس حقارت در خودمان در مقابل این علوم - که گاهی اوقات حتی با احساس دشمنی پهلوی می‌زند - در رنج و عذابیم».

اولین بار بارقه نیاز ما به تکنولوژی و مصرف آن در بخش نظامی پدیدار شد و نقطه عطف آشکار شدن این ضرورت را می‌توان شکست در جنگ چالدران که در واقع، شکست از تکنولوژی برتر عثمانی‌ها بود، فرض کرد. دوره صفویه بارزترین دوره‌ای بود که پای غربی‌ها و به تبع آن‌ها برخی از آثار و محصولات علمی و فنی نوین آن‌ها به ایران به تدریج باز شد و این در حالی بود که حکمرانان مستبد صفوی در عالمی از اوهام و غرور به سر می‌بردند و اعتنایی به راز پیشرفت‌های جوامع غربی نداشتند و تنها به هنگام اقتضای نیازهای حکومتی خود به برخی نمودها و آثار جدید علمی و فنی اروپا توجه می‌کردند. انتقال برخی از محصولات علمی به کشور صرفاً نیازهای نظامی و تجملاتی دربار ایران را منعکس می‌کرد. نه ساختار سیاسی و اجتماعی حکومت صفویه شایستگی مدیریت و برنامه‌ریزی برای بهره برداری خلاق از تجارب و دستاوردهای جدید علمی غرب و نهادسازی نوین در کشور را داشت و نه رکود و انحطاط فرهنگ تکنگر مذهبی که آنان در جامعه به وجود آورده بودند می‌توانست پذیرای چنین تمهیداتی باشد. دیگر بخش‌ها و قشرهای جامعه که زیر سنگینی نظام استبدادی به سر می‌بردند، فاقد هرگونه استقلال و آزادی و امکان ارتباط و ابتکار عمل بودند و نسبت به آنچه در دنیای بیرون از جامعه بسته خود رخ می‌داد و با تحولات علمی و فنی شگرفی که در جهان غرب جریان داشت، کاملاً بیگانه بودند. سرانجام باید گفت ساختار اقتصاد ایللیاتی، شبانکارگی و دهقانی ایرانی چندان برای تحولات علمی و فنی مناسب نبود و این برخلاف ساختار اقتصاد بازرگانی بود که در شهرهای غربی جریان داشت و آن جوامع را به سوی انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری و توسعه اقتصادی سوق می‌داد (Farasatkah, 2009: 73-74).

دوره قاجاریه به‌ویژه دوره ناصرالدین‌شاه را می‌توان آغاز روند واردکردن و مصرف تکنولوژی دانست. در این دوره آرام‌آرام تکنولوژی‌های نظامی جا باز کردند و هزینه‌های عمومی زیادی برای ورود تکنولوژی‌های دیگر نظیر چاپخانه، دارالفنون، ماشین‌دودی و بعدها، راه‌آهن صرف شد (Farasatkah, 2009; Mahboubie Ardakani, 1991) به‌طور

خلاصه حاکمان صفوی و قاجاری آن زمان، تلقی مبهمی از مفهوم علم و تکنولوژی و ارتباط آن با دانشگاه و مدرسه عالی داشتند یا حداکثر تلقی‌شان از علم و تکنولوژی مبتنی بر کارکرد و فایده عملی آن بود و تقاضای آنان برای علم و تکنولوژی بیش از آنکه ناشی از شناخت ماهیت این علوم و تکنولوژی‌ها باشد ناشی از مقتضیات و شرایط اجتماعی و سیاسی داخلی و مشاهده پیشرفت‌های تکنولوژیک و تمدنی اروپا بود. آن‌ها هیچ‌گاه درصدد بومی‌سازی و سازگار کردن علم جدید و گزینش آن برنیامدند (Fazeli, 2008; Mansouri, 2007) فرایند واردکردن و مصرف تکنولوژی در دوره پهلوی که اوج دوره نوسازی است با شدت و حدت بیشتری ادامه یافت و حتی امروز نیز بسیاری از مواقع به جای «فهم تکنولوژی» عمدتاً به تکثیر انبوه و گلخانه‌ای تکنولوژی یا انتقال جدیدترین تکنولوژی‌ها علاقه‌مندیم. نگاه ما به تکنولوژی نگاه حداقلی و عمدتاً محدود به مصنوعات فنی بود نه فراتر از آن. تصور می‌شد می‌توان تکنولوژی را به‌مثابه یک ابزار خنثی از کشورهای پیشرفته وارد کرد و از این طریق به سرعت عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی‌مان را جبران کرد.

البته نحوه مواجهه حاکمان ما با تکنولوژی و وارد ساختن آن‌ها شاید به دلیل احساس عقب‌ماندگی به صورت پذیرش تام بوده باشد اما در سطح جامعه پذیرش آن‌ها با مقاومت‌هایی مواجه بوده است. به‌طورکلی مطالعات پراکنده در باب «تاریخ اجتماعی تکنولوژی» از مقاومت جامعه در مورد تکنولوژی‌های چون آموزش و پرورش جدید، نظام درمانی و دندان‌پزشکی، دوچرخه، چرخ‌خیاطی، خیابان و آسفالت، تلگراف، قطار، عکاسی، سینما و رادیو حکایت دارد. باین‌حال میزان و شدت مقاومت در برابر تکنولوژی‌ها و نوآوری‌های تکنولوژیک و در کل تغییرات جدید درگذر زمان و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. می‌توان ادعا کرد که بنا به دلایل مختلف (نظیر سرعت تغییرات تکنولوژیک، وابستگی زندگی به تکنولوژی و قوام گرفتن بنیادهای مدرنیته ایرانی) هر چه به سمت دنیای جدید نزدیک‌تر شده‌ایم، از شدت و نوع مقاومت فرهنگی ما در برابر تکنولوژی‌های جدید مخصوصاً نظیر اینترنت، ماهواره، تلفن همراه کاسته شده و مردم آمادگی بیشتری برای سازگاری و قبول محصولات مدرن پیدا کرده‌اند^۱ (Fazeli, 2007).

۱. همانطور که فاضلی (2007) به درستی اشاره می‌کند «ایرانی‌ها نیز مانند دیگر اقوام برای توجیه مقاومت خود در برابر چیزهای نوظهور، ابتدا به «نفی ایدئولوژیک» و ارائه تصویری از نظر مذهبی یا اعتقادی مغایر با ارزش‌های دینی از تکنولوژی‌های نو می‌پردازند و در صورتی که این حربه مؤثر واقع نشد، گاهی نیز در کنار توجیه ایدئولوژیک یعنی به نحو همزمان به «نفی عقلانی» آن می‌پردازند. شیوه‌های نفی عقلانی متفاوت است. گاه فایده‌مندی ابزار و شیوه نو را محل تردید قرار می‌دهند، گاه نیز عدم تناسب آن با توانایی‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی خود را سپر می‌سازند. گاهی نیز اساساً شیوه یا ابزار سنتی بدیل آن را راجح‌تر از شیوه و پدیده نو می‌شمارند.»

ب) **منظر فلسفی:** علاوه بر دیدگاه تاریخی برای فهم پیچیدگی‌های پروبلماتیک تکنولوژی باید لایه عمیق‌تر دیگری (لایه فلسفی) را واکاوی نمود. در این لایه است که می‌توان به این سؤال پاسخ داد که چرا مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اندیشگانی ما منبع ایجاد پیشرفت‌های تکنولوژیک نبوده است. اندیشمندان ایرانی از منظر فلسفی تحلیل‌های فلسفی مختلفی در خصوص مواجهه با مسئله تکنولوژی مدرن ارائه کرده‌اند بیشتر آن‌ها دیدگاه غیر ابزاری را در قبال تکنولوژی اتخاذ کرده و بر ارزش بار بودن آن تأکید دارند، اما در مورد امکان یا امتناع متناسب‌سازی تکنولوژی با زیست‌بوم جامعه ما و یا امکان یا امتناع نوعی تکنولوژی جدید، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برای مثال داوری اردکانی همچون هایدگر علوم و تکنولوژی جدید را در متن عالم مدرن و سوژکتیویسم و اومانیسیم و به‌طور خلاصه فلسفه جدید بررسی و تحلیل نموده است. وی معتقد است که انسان و سوژه عصر اخیر با هدف استیلا بر عالم طبیعت، مسیری را در علم و اندیشه گشوده است که با علم و اندیشه قدیم تفاوت بنیادی دارد (Davari Ardakani, 2000). ایشان نیز همچون پایا (2006, 2007) معتقد است تکنولوژی به زمینه و بستری که در آن به کار می‌رود، حساس است و حامل ارزش‌هایی است که طراحان و مصرف‌کنندگان در آن به ودیعه گذاشته‌اند، لذا تکنولوژی امری خنثی و صرفاً وسیله و ابزار نیست بلکه عالمی را به همراه خود می‌آورد که بسط آن در سرتاسر عالم خاکی حوالت انسان امروز است. از نظر داوری اردکانی (2001) تکنولوژی جدید، محصول اندیشه‌های فلسفی امثال بیکن، دکارت، کانت و هگل است و عنان گسیختگی آن ناشی از دور شدن از اصل خود است. از نظر وی تکنولوژی مایه لذت است نه مایه رستگاری و سعادت.

از نظر داوری اردکانی (2000: 152) مشکل ما با تکنولوژی در اصل به نحوه مواجهه با غرب راجع است. غرب جدید، عالمی است که در آن تقدیر آدمی به تکنولوژی پیوسته است. به نظر وی مشکل ما در مواجهه با غرب، گزینشی عمل کردن و بی‌توجهی به فلسفه و مبانی اندیشه آن است چراکه تنها می‌خواستیم علم و تکنولوژی و پیشرفت و توسعه آن را وارد کنیم. حال آنکه تمدن شبیه درخت است که نمی‌توان شاخه‌های آن یا قسمت‌هایی از ریشه آن را از خاک بیرون آورده و در جای دیگری کاشت (Davari Ardakani, 2000). ایشان تلقی طیف‌های مختلف فیلسوفان تا دیدگاه تکنسین‌ها، مهندسان و برداشت عوام از تکنولوژی را نقد می‌کند و در نهایت دیدگاه خود را نه دست برداشتن از تکنیک و نه حتی اصلاح و تغییر آن می‌داند، بلکه همگان را به تفکر در باب نسبت بشر و تکنیک دعوت

می‌کند (Davari Ardakani, 2000; 47). به نظر ایشان قبل از تدوین هر طرحی باید ذات تکنیک و قدرت آن را بشناسیم و بدانیم با تکنیک چه نسبتی داریم. اگر به این خودآگاهی برسیم می‌توانیم از اسارت تکنیک رها شویم و دست به گزینش آن بزنیم (Davari Ardakani, 1988: 173). از نظر ایشان بومی‌کردن تکنولوژی غیرممکن نیست اما بسیار دشوار است چراکه گردانندگان تکنولوژی به دلیل برخورداری از قدرت و سلطه مانع از آن می‌شوند که تکنولوژی که در غرب پدید آمده از سرشت غربی‌اش دست بردارد و بومی شود. بومی‌کردن تکنولوژی مبارزه‌ای نفس‌گیر است (Davari Ardakani, 2001)

نصر (2004: 46) نیز معتقد است که دانش سنتی به متافیزیک، اسطوره و دین و دانش مدرن به قیاس و تجربه اتکا دارد. وی ضمن تفکیک بین تکنولوژی قدیم و مدرن^۱ معتقد است تفکر حاکم بر عصر تکنولوژی قدیم، سیطره روح یگانگی بر هستی و پدیده‌های جهان بود. بشر درصدد تجلی یگانگی خدا در مصنوعات دست‌ساز خود بود، اما تکنولوژی مدرن با از بین بردن رابطه خدا و مصنوعات بشر، قداست و معنویت را از تولید زوده است (Nasr, 1980). تکنولوژی‌های جدید که بر علم مبتنی است با غفلت از متافیزیک سنت و به حاشیه راندن هنرها از عرصه تولید ابزارها و صنایع و همچنین تقلیل هنرها به اشیاء نفیس در موزه‌ها، رسماً موجبات عصر «تری لوگا» یا «عصر تاریکی» را فراهم ساخته است. در این عصر تکنولوژی صرفاً به منظور افزایش قدرت انسان و بهره‌گیری بیشتر از امکانات و ذخایر موجود تولید می‌شود بی‌آنکه این تکنولوژی بتواند انسان را در راستای وظایف هستی‌شناسانه‌ای که بر عهده‌اش گذاشته شده یاری رساند. لذا نصر تقارب علوم جدید و قدیم و تکنیک و فنون قدیم با تکنولوژی جدید را غیرممکن می‌داند، زیرا معتقد است علم و

۱. در تلقی مدرن نوعی نگاه ابزاری به علم و تکنولوژی وجود دارد به طوری که در این تلقی علم در خدمت انسان و اغراض اوست تا در طبیعت و اجتماع تصرف کند. به تعبیر هایدگر انکشاف حاکم در تکنولوژی جدید نوعی تعرض و تصرف بی‌امان در طبیعت است و مستلزم نگاه جدید و خاص به طبیعت به مثابه منبع تأمین انرژی است (Ihde, 1998: 17-18) تکنولوژی مدرن عمدتاً از فکر تکمیل متصرفانه طبیعت ناشی می‌شد تا حس تعبیر شاعرانه طبیعت. این به وضعیت‌ها و پویایی‌های اجتماعی و ادراکی و رفتاری یک جامعه مربوط می‌شود که صرفاً در طبیعت متوقف شود یا درصدد تکمیل طبیعت برمی‌آید. حس سوژگی و کارگزاری عالم، غربی‌ها را به تصرف ذهنی و فنی در طبیعت برمی‌انگیخت و تکنیک از اینجا نشئت گرفت (Farasatkah, 2015) اما تلقی ما از طبیعت نوعی قداست، همسویی و هماهنگی با آن و گاهاً حیرت در برابر آن بوده است. علم ماقبل مدرن خیلی کاربردی نبوده و نفع و سود را دنبال نمی‌کرد. انسان علمی ماقبل مدرن به دنبال ارتقاء معرفت و ارتقاء وجودی خود و تکامل مراتب هستی خود بود. ولی علم مدرن به دنبال پول، سود، نفع، قدرت و لذت است که این نگاه را امروزه کاربردی می‌نامند. در علم سنتی تصرف‌گری نامحدود و نامشروط دیده نمی‌شد. در علم مدرن انسان حق دارد در همه چیز طبیعت تصرف کند. تعبیر زیبایی که تئودور آدورنور و ماکس هورکهایمر در کتاب دیالکتیک روشنگری دارند، این است که علم جدید به طبیعت آن گونه نگاه می‌کند که سرمایه‌دار به انسان (Zarshenas, 2004).

تکنولوژی جدید تماماً کمی، سکولار و غیر مقدس است حال آنکه علوم و فنون سنتی، کیفی-کمی و دینی و مقدس‌اند. ایشان در خصوص تکنولوژی منبعث از علم مدرن بر ارزش بار بودن و جهت‌دار بودن آن تأکید دارد (Nasr, 2012: 90) «تکنولوژی با خود، فرهنگ تکنولوژیک می‌آورد که مخالف نفس آدمی به‌عنوان موجود فناپذیر و مخالف بافت تمام جوامع سنتی است که بر روابط معنوی بین انسان و اشیایی که می‌سازد، مبتنی است» (Nasr, 2012: 72). از نظر نصر (2012: 99) بزرگ‌ترین اشتباه شرقیانی که کورکورانه از تکنولوژی غربی تقلید می‌کنند آن است که تصور می‌کنند تکنولوژی خنثی است در حالی که تکنولوژی جدید با خود فرهنگ می‌آورد. در نهایت پیشنهاد وی جستجوی جایگزین برای تکنولوژی مدرن است. یکی از ویژگی‌های مهمی که این تکنولوژی باید داشته باشد حفظ دستاوردهای سنت و توانایی رقابت با تکنولوژی‌های مدرن است.

شایگان (1976: 73) تفکر مسلمانان را اساساً با مقولات علم شهودی، علم تأویلی، بینش اساطیری، تفکر نظری، خاطره‌آزلی، فلسفه بی‌عملی، تفکر عرفانی و معرفت‌تمثیلی توضیح می‌دهد و آن‌ها در مقابل علم عملی، پراکسیس، اندیشه تاریخی، تفکر تکنیکی غرب قرار می‌دهد. به نظر شایگان مشرق زمین و تمدن‌های بزرگ آسیایی هرگز نتوانستند تفکر علمی-تکنیکی پدیدآورند ولی در زمینه علم شهودی، تفکر اساطیری و علم نظری پیش‌قدم بودند. «در شرق علم هرگز به معنای علم جدید غربی پدید نیامد زیرا که عالم هرگز دنیوی نشد و طبیعت از روحی که بر آن حاکم بود منفک نگشت». وی نیز همچون داوری اردکانی مدعی است جدا کردن تفکر تکنیکی غرب از فرهنگ آن ناممکن است زیرا «تکنولوژی و علمی که اساس آن است یگانه و جدانشدنی هستند» (Shayegan, 1976: 49). وی با استفاده از مفهوم «توهم مضاعف» مدعی است ما در یک سده اخیر هم خواستار فرهنگ غرب و مظاهر آن یعنی تکنولوژی، علم و حکومت قانون بوده‌ایم و داعیه شناخت ماهیت تفکر غربی را داشتیم و هم با شعار حفظ حافظه تاریخی و فرهنگی، درصدد حفظ هویت فرهنگی‌مان بوده‌ایم بی‌آنکه هیچ‌یک از این دو محقق شده باشد. به این معنا توهم مضاعف ما ایرانیان بر پایه شناختن درست ماهیت غرب و حفظ نکردن حافظه تاریخی و فرهنگی‌مان مبتنی است. لذا به نظر وی تحلیل تکنولوژی‌های جدید غرب و نحوه اقتباس آن باید این تکنولوژی در متن یک کل به‌هم‌بافته و تجزیه‌ناپذیر در نظر گرفته شود (Shayegan, 1976: 25). شایگان برخلاف داوری تغییر وضعیت ما در نسبت با تکنولوژی و فلسفه و علم جدید غرب را به گشایش عالمی تازه و انتظار متاملانه موکول نمی‌کند، بلکه ما را به تنفس

در فضای نسبیّت غربی دعوت می‌کند و اندیشه هویت چهل‌تکه را نه به‌مثابه رویدادی ناآگاهانه بلکه به‌مثابه راه‌حلی مقبول برای کم نمودن اصطکاک میان ایدئولوژی‌های بومی‌شده شرقی و ایدئولوژی‌های رایج غربی فرهنگی می‌داند (Mahouzi, 2015: 243).

پایا (2009) ضمن تفکیک بین انواع تکنولوژی نرم و سخت، انسانی و اجتماعی معتقد است تکنولوژی برساخته انسان‌ها برای تأمین نیازهای غیرمعرفتی و معرفتی ابداع‌کنندگان و بهره‌گیرندگان آن است و معیار ارزیابی یک تکنولوژی را کارآمدی و اثربخشی آن در برطرف کردن نیاز یا نیازهایی می‌داند که برای آن خلق‌شده و مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر وی تکنولوژی‌ها به اعتبار ابزار بودن، همچون تیغی دو دم هستند در غیاب بصیرت لازم برای به‌کارگیری آن‌ها، این ابزارها صرف‌نظر از درجه پیچیدگی‌شان به بلای جان آدمیان و دیگر موجودات تبدیل می‌شوند. هر چه درجه پیچیدگی ابزارهای تکنولوژیک بیشتر و بصیرت به‌کارگیرندگان آن‌ها کمتر، خطراتی که از رهگذر کاربرد آن‌ها پدیدار می‌شود افزون‌تر (Paya, 2006). پایا (2007) علی‌رغم ارزش بار دانستن تکنولوژی، از قابلیت عمومیت یافتن آن به‌واسطه انجام تنظیمات برای سازگاری با محیط‌ها و شرایط جدید دفاع می‌کند.

سروش (2009: 312) به تبعیت از الول چهار ویژگی برای تکنولوژی قائل می‌شود: خودمختاری، عیوب ذاتی، عدم تمایز تکنولوژی مدرن و سنتی و تفاوت کمال تکنولوژی با کمال انسان. در خصوص خودمختاری تکنولوژی و نقدهای وارد بر آن به‌طور مفصل بحث شد و نیازی به تکرار آن‌ها نیست؛ اما در خصوص پیوستگی تکنولوژی مدرن و سنتی، بسیاری همچون هایدگر، نصر و اردکانی معتقدند تکنولوژی مدرن تفاوت ماهوی با تکنولوژی سنتی دارد و اساساً تکنولوژی مدرن مساله‌آفرین و بیگانه‌ساز است نه تکنولوژی سنتی. سروش معتقد است از آنجاکه تکنولوژی زاییده فطرت و نیاز فطری آدمیان است و با توجه به یکسان بودن فطریات و نیازهای آدمیان، تکنولوژی مدرن تفاوت ماهوی با تکنولوژی سنتی ندارد (Soroush, 2009: 259). سروش در تبیین مشکل تکنولوژی امروزی دو نظریه عیوب فاعلی (دیدگاه ابزاری به تکنولوژی) و عیوب ماهوی (دیدگاه خودمختاری) را مطرح می‌کند و پس از نقد نظریه عیوب فاعلی، ضمن دفاع از نظریه عیوب ماهوی ادعا می‌کند عیوب ذاتی تکنولوژی نظیر سرعت‌گرایی، تقدس‌زدایی، غفلت‌آلایی و... ربطی به فاعل‌های انسانی ندارد. با این حال در نقد دیدگاه سروش می‌توان ادعا کرد که موارد مدنظر سروش نه ویژگی همه تکنولوژی‌ها بلکه ویژگی‌های تکنولوژی مدرن‌اند که

ارتباط وثیقی با علوم مدرن و پیدایش نظام سرمایه‌داری دارد. همچنین از نظر سروش (برخلاف افرادی چون میرباقری) با توجه به خودمختاری تکنولوژی، خواست ایجاد تکنولوژی متفاوت نظیر تکنولوژی دینی بی‌معنا است و نمی‌توان ارزش‌های دینی یا هر ارزش دیگری را بر تکنولوژی تحمیل کرد. در نهایت از نظر سروش راه‌حل مسئله تکنولوژی قناعت و اتخاذ دیدگاه اکل میته و استفاده حداقلی از آن است. این راه‌حل نیز با توجه به مدعیات سروش در خصوص خودمختاری تکنولوژی و خصوصیت وحدت و کلیت تکنولوژی در تعارض است و اصولاً پیشرفت‌های سریع تکنولوژی و وابستگی فزاینده جوامع به آن، این‌گونه راه‌حل‌ها را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد (Chaparak, 2012).

میرباقری (2004) نیز توسعه تکنولوژی را جهت‌دار دانسته و بر این باور است که روح حاکم بر توسعه تکنولوژی مدرن بعد از رنسانس، غیردینی بوده و غرب‌پایی از بیان این موضوع ندارد. تکنولوژی مدرن به‌طور جدی از فرهنگ مذهب فاصله گرفته و رنگ فرهنگ و عقلانیت و مذهب خاصی را به خود گرفته است لذا این نوع تکنولوژی نمی‌تواند در شکل مطلوب در اختیار ما قرار گیرد و ما نمی‌توانیم به هر شکل که می‌خواهیم در آن تصرف کنیم. از نظر وی تکنولوژی مدرن دیدگاه تصرفی داشته و دنیا را به‌عنوان هدف می‌نگرد و به همین دلیل نمی‌توان با تنظیمات آن را با فرهنگ مذهب هماهنگ نمود. وی با تفکیک تکنولوژی دینی و غیردینی معتقد است برخی از تکنولوژی‌ها نمی‌تواند در خدمت ارزش‌های جامعه دینی قرار گیرد. از نظر میرباقری (2010) تکنولوژی مدرن به دلیل ریشه‌های فرهنگی و مبانی حاکم بر آن، به ابزاری در خدمت طبقات خاص تبدیل شده و نتوانسته است عدالت عمومی را تأمین کند. این نقض هم از ضعف انسان‌هایی است که مدیریت این تکنولوژی را به عهده داشته‌اند و آن را در مسیر غلط به کار گرفته‌اند و هم از ذات این تکنولوژی ناشی می‌شود. میرباقری بر این باور است که نمی‌توان تکنولوژی موجود را حذف کرد و کاملاً از آن بی‌نیاز شد، اما تأکید می‌کند که مجبور به این تکنولوژی‌ها نیستیم چراکه می‌توان به یک تکنولوژی جدید در مسیر تمدن اسلامی دست‌یافت لذا ایجاد تکنولوژی کاملاً ویژه، ضروری و مطلوب است.

از جمله آموزه اصلی «نظریه انتقادی تکنولوژی» فینبرگ در ارتباط با دیدگاه فیلسوفان و اندیشمندان ما در مورد تکنولوژی، تلاش برای پل زدن بین دیدگاه‌های فلسفی با سایر دیدگاه‌های اجتماعی، فرهنگی و انتقادی در خصوص پروبلماتیک تکنولوژی است. نکته دیگر تأکید بر پیوند تکنولوژی مدرن با ارزش‌های نظام سرمایه‌داری است. همان‌طور

که فینبرگ اشاره می‌کند منشأ اصلی مشکلات پدید آمده توسط نظام تکنیکی مدرن، ارزش‌های سرمایه‌داری حاکم بر روند طراحی است که سایر ارزش‌ها همچون حفاظت از محیط‌زیست و ملاحظات انسانی، اجتماعی و فرهنگی را کنار گذاشته است. لذا تا زمانی که کشورهای واردکننده تکنولوژی و من جمله کشور ما دنباله‌رو و خواهان مناسبات سرمایه‌داری باشند با مشکلات تکنولوژی مدرن در شکل شدیدتر و وابسته آن روبه‌رو خواهند بود. بنابراین اگر به توصیه برخی از اندیشمندان نظیر میرباقری و نصر درصدد دستیابی به تکنولوژی متفاوتی متناسب با نظام ارزشی خود هستیم باید نهادها، ساختارها، مناسبات اجتماعی و فرهنگی متناسب با آن تکنولوژی را ایجاد نماییم چراکه در ذیل مناسبات سرمایه‌دارانه نمی‌توان به تکنولوژی دموکراتیک یا تکنولوژی دینی دست‌یافت. نهایتاً مطابق با این دیدگاه، هر کشوری می‌تواند از دستاوردهای جهانی تکنولوژی بهره‌برداری کند و درعین حال، بدون قطع ارتباط با بازار جهانی، برخی ارزش‌های فرهنگی خود را در طراحی این مصنوعات تکنولوژیک وارد سازد. باین حال همان‌طور که اشاره شد، واردکردن ارزش‌های ملی و بومی در رویه طراحی تکنولوژی امری ناممکن نیست ولی برای بسیاری از کشورهای واردکننده تکنولوژی بسیار دشوار است. همچنین به تأسی از نظریه انتقادی می‌توان گفت که نقد مداوم پیامدهای منفی نظام تکنولوژیک برای ساخت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی جامعه و تأکید بر جنبه سلبی تکنولوژی نباید آن‌چنان برجستگی یابد که موجب غفلت از جنبه‌های ایجابی تکنولوژی و نادیده گرفتن پتانسیل‌ها، منافع و قدرت آن شود. به تعبیر هایدگر (به نقل از Abdul Karimi, 2014) باید تکنولوژی را هم به‌منزله عنصر ضروری و قوام‌بخش حیات کنونی خویش بپذیریم و هم اینکه به یاد داشته باشیم تفکر علمی و تکنولوژیک تنها راه ممکن تفکر نبوده و نمی‌تواند به همه ابعاد وجودی انسان و اصیل‌ترین نیازهای وی پاسخ دهد.

جدول (۳): خلاصه دیدگاه برخی از اندیشمندان ایرانی در باب تکنولوژی و راهکارهای پیشنهادی

Table 3: A summary of the views of some Iranian thinkers on technology and proposed solutions

اندیشمندان	تلقى از تکنولوژی	تمایز بین تکنولوژی سنتی و مدرن	راهکار پیشنهادی برای پروبلماتیک تکنولوژی
داوری اردکانی	دفاع از دیدگاه محتوایی به تکنولوژی	تفکیک بین تکنولوژی سنتی و مدرن	- دعوت به تفکر در باب نسبت بشر و تکنیک و شناخت ذات تکنیک و قدرت آن، نه دست برداشتن از تکنیک و نه حتی اصلاح و تغییر
نصر	دفاع از دیدگاه محتوایی به تکنولوژی	تفکیک بین تکنولوژی سنتی و مدرن	- جستجوی تکنولوژی جایگزین تکنولوژی مدرن که ضمن رقابت پذیری با تکنولوژی های مدرن، حافظ دستاوردهای سنت نیز باشد.
پایا	دفاع از دیدگاه ابزاری و درعین حال محتوایی به تکنولوژی (در معنای ارزش بار بودن نه جبرگرایی و ذات انگاری)	تفکیک بین انواع تکنولوژی	- عدم ضرورت و مطلوبیت (علی رغم امکان پذیری) ایجاد یک تکنولوژی خاص - بهره گیری از تکنولوژی های موجود برای توسعه اهداف دینی و بومی و ارتقای کارآمدی آن به واسطه اصلاحات و تنظیمات محیطی و فرهنگی در آن - تأکید بر تناسب حداکثری تکنولوژی با بستر و زیست بوم آن
میرباقری	دفاع از دیدگاه محتوایی در معنای ارزش بار بودن - تکنولوژی در خدمت نظام سرمایه داری	تفکیک بین تکنولوژی سنتی و مدرن	- ضرورت و مطلوبیت ایجاد یک تکنولوژی ویژه - گذار از تکنولوژی مدرن و دستیابی به تکنولوژی متناسب با فرهنگ مذهبی - اخذ و اقتباس گزینشی تکنولوژی با هدف انحلال و هضم آن در فرهنگ دینی
سروش	دفاع از رویکرد محتوایی در معنای جبرگرایی و خودمختاری	پیوستگی بین تکنولوژی سنتی و مدرن به دلیل فطرت یکسان انسان ها	- عدم ضرورت و بی معنا بودن ایجاد یک تکنولوژی خاص - توصیه به قناعت و اتخاذ رویکرد اکل میته و استفاده حداقلی از تکنولوژی
شایگان	دفاع از ارزش بار بودن تکنولوژی	---	- تحلیل تکنولوژی جدید غرب و نحوه اقتباس آن در متن یک کل به هم بافته

ج) منظر اجتماعی: در کنار دیدگاه تاریخی و فلسفی، دیدگاه اجتماعی نیز در مواجهه با مسئله تکنولوژی در نوع خود حائز اهمیت است. پژوهش های تجربی صورت گرفته در این حوزه نشان دهنده تأثیرات تکنولوژی در طرز تلقی افکار، ارزش ها، اعتقادات، رفتارهای افراد و گروه های مختلف است این دست پژوهش ها نشان می دهد که تکنولوژی می تواند به عنوان یک مسئله و پروبلماتیک جامعه شناختی نیز مطرح شود. مسائلی که به کمک زمینه فرهنگی و اجتماعی توسعه تکنولوژی، شناخت نیازها و علایق گوناگون گروه ها، اقشار و

خرده‌فرهنگ‌های مختلف مصرف‌کننده تکنولوژی، انطباق و هماهنگی میان توسعه تکنولوژی و میراث فرهنگی و بومی جامعه ایران قابل حل هستند. علی‌رغم اهمیت فزاینده مطالعات اجتماعی تکنولوژی هنوز این حوزه در ایران وضعیت مناسبی ندارد و پژوهش‌های عمیق، جدی و قابل‌اعتنایی در زمینه مواجهه جامعه ما با تکنولوژی به چشم نمی‌خورد. بیشتر پژوهش‌های اجتماعی صورت گرفته در حوزه تکنولوژی در کشورهای تولیدکننده تکنولوژی ناظر به بررسی تأثیر گروه‌های مختلف اجتماعی در تولید، گسترش، تفسیر و معنا دهی به تکنولوژی است، اما در کشور ما، از آنجاکه تکنولوژی محصول و برآمده از فرهنگ و زیست‌بوممان نیست، اغلب پژوهش‌ها در حوزه اجتماعی به بررسی آسیب‌شناختی آثار، پیامدها و چالش‌های ورود تکنولوژی‌های جدید نظیر اینترنت، شبکه‌های مجازی، ماهواره، گوشی همراه و ... پرداخته‌اند تا تأثیرپذیری تکنولوژی از زمینه اجتماعی. سنخ‌شناسی مطالعات اجتماعی تکنولوژی در ایران (Dowran, 2015) نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده در حوزه تکنولوژی‌های مادی بوده تا تکنولوژی‌های اجتماعی. علاوه بر این کانون توجه پژوهش‌های ایرانی در حوزه مطالعات اجتماعی تکنولوژی، تکنولوژی‌های در حال اشاعه (نظیر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی) بوده است تا تکنولوژی‌های نوپدید (نانوتکنولوژی)، تکنولوژی در حال اشباع رو به افول (نساجی و خودرو) یا بررسی تکنولوژی‌های متروک. نهایتاً این مطالعات همچنان که اشاره شد معطوف به کشورهای مصرف‌کننده تکنولوژی و در سطح فرو ملی و ملی است. بی‌توجهی به مطالعات اجتماعی (عمدتاً تاریخی) عدم پیدایی تکنولوژی و یا ضدیت یا دشمنی با تکنولوژی و یا حتی اقبال فزاینده به برخی تکنولوژی‌ها، نیازمند پژوهش‌های تجربی در عرصه اجتماعی است.

د) منظر فرهنگی: از این منظر تکنولوژی نوعی نماد، نشانه و یک نظام معنایی تلقی می‌شود. از این دیدگاه تکنولوژی ضمن اینکه به تغییر در فرهنگ می‌انجامد، خود به عنصری فرهنگی و نمادین تبدیل می‌شود و می‌توان ساختار معنادار و صورت‌های نمادین آن را تعبیر و تفسیر نمود. در این حوزه آتیه‌دار و رو به رشد نیز پژوهش‌های چشمگیری صورت نگرفته است، از جمله دلایل آن می‌توان به عدم اعتقاد به ضرورت فهم فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان مقدمه شناخت طبیعی و فنی تکنولوژی در جامعه اشاره کرد. معدود پژوهش‌های صورت گرفته نیز درباره تکنولوژی اتومبیل (Shahabi & Hoshangi, 2012)، تکنولوژی رایانه (Fazeli, no.d., Borandegi, 2014; Ismaili, 2007)، مترو (Parvin,)

Kalantari, Moradi, 2015) بوده است. آنچه در این پژوهش‌ها بر آن تأکید می‌شود جنبه نمادین تکنولوژی است. نتایج این دست پژوهش‌ها نشان می‌دهد رابطه سوژه‌ها با تکنولوژی رابطه‌ای صرفاً ابزاری نیست، بلکه می‌توان آن را به مثابه نوعی کنش فرهنگی و از زاویه هویت‌یابی، معنا دهی خلاقانه به جهان زیست، مقاومت، ابزار وجود و کمال شخصی نیز تفسیر کرد. تکنولوژی همچون متنی است که کاربرانش آن را رمزگذاری کرده و مصرف‌کننده آن را برحسب قواعدی رمزگشایی می‌نماید و در زمینه‌های مختلف بر سازنده معانی، مدلولات و کارکردهای متفاوت و گاه متعارض است. در پاسخ به مصرف‌کننده پارادوکسیکال تکنولوژی در میان ایرانیان این دیدگاه ضمن فاصله‌گیری از تحلیل‌های فنی، بدبینانه، انتقادی و آسیب‌شناختی صرف، ضمن تأکید بر ضرورت فهم فرهنگی و اجتماعی تکنولوژی و از طرف دیگر چندمعنا بودن و ترکیب فنی-اجتماعی تکنولوژی، ما را به بررسی شرایط فرهنگی و اجتماعی و بومی مصرف‌کنندگان، معناها، ارزش‌ها و کارکردهای مختلفی که مصرف تکنولوژی برای خرده گروه‌های مختلف سنی، اقتصادی، مذهبی و جنسیتی دارد و همچنین ارزش‌ها، نمادها و نشانه‌هایی که در خلال مصرف تکنولوژی شکل می‌گیرند، دعوت می‌کند. تکنولوژی می‌تواند بر سازنده معانی مختلف و جدیدی باشد که شاید در میان فرهنگ‌های دیگر و حتی فرهنگ‌هایی که تکنولوژی در آن تولید شده، چنین معنایی نداشته باشد.

۵) منظر سیاسی: از منظر سیاسی، تکنولوژی ارتباط وثیقی با قدرت سیاسی دارد و در دنیای معاصر نیز علم و تکنولوژی و سیاست گذاری‌های مربوط به آن به شدت به مقوله ای سیاسی مبدل شده است. در کشورهای در حال توسعه دست‌اندرکاران سیاسی همواره برای جبران عقب‌ماندگی و کاهش شکاف تکنولوژیک خود با کشورهای پیشرفته، به انتقال تکنولوژی روی آورده‌اند. در کشور ما نمود این سیاست را می‌توان در برنامه‌های اخیرتر توسعه پنج‌ساله و اسناد بالادستی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به علم و تکنولوژی، نقشه جامع علمی کشور ملاحظه نمود. باین‌حال به نظر می‌رسد به دلیل فقدان نگاه کل‌گرایانه و عدم درک درست ماهیت تکنولوژی و اقتضات خاص آن، عدم نهادسازی و برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی، انتقال تکنولوژی چه دوره قبل از انقلاب اسلامی و چه در دوره بعداز آن، صرفاً به انتقال جنبه سخت‌افزاری تکنولوژی محدود شده است و ظرفیت سازی لازم برای کسب دانش و مهارت‌های فنی ملازم با آن صورت نگرفته است و در مجموع توفیق چندانی نداشته است. تجارب مختلف انتقال و توسعه تکنولوژی در صنعت نفت

(Derakhshan, and Taklif, 2015) و خودروسازی (Jafari & Samiie Nasr, 2009) و برخی دیگر از صنایع مؤید این امر است. به‌طور کلی می‌توان گفت که ما به‌واقع در بسیاری از این حوزه‌ها نتوانستیم تکنولوژی وارداتی را بومی کنیم لذا ما نه صاحب صنعت بلکه صاحب کارخانه و مصنوعات تکنولوژیکی و ماشین‌آلات شدیم. ناکامی در انتقال موفقیت‌آمیز تکنولوژی، تحریم‌های صورت گرفته و شرایط سیاسی و امنیتی کشور حاکمیت سیاسی کشور را مجاب نمود که سرمایه‌گذاری دولتی کلانی در برخی از تکنولوژی‌ها نظیر تکنولوژی هسته‌ای و فضایی با اتکا به ظرفیت‌های داخلی به عمل آورد و اتفاقاً پیشرفت‌های قابل توجهی نیز به دست آمد. با این وجود اولاً حمایت از این دست از تکنولوژی‌ها عمومیت نداشته و به تکنولوژی‌های خاص محدود شده است در ثانی این حمایت‌ها به‌صورت دستوری و بنا به اقتضات و شرایط خاصی صورت گرفته است و با از بین رفتن شرایط مذکور تضمینی برای ادامه حمایت از آن نیست.

در حوزه‌های تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ویدئو و ماهواره نیز حاکمیت و نظام سیاسی برخوردارهای عمدتاً سلبی داشته است و با وجود قانون منع به‌کارگیری تجهیزات ماهواره‌ای، تجربه برخورد و جمع‌آوری با ماهواره‌ها در دو دهه گذشته موفق نبوده است و حتی این سیاست موجب شده تا ذائقه و گرایش بیشتری به سمت استفاده از این نوع تجهیزات ایجاد شود. به‌طور کلی می‌توان ادعا نمود که برخورد نظام سیاسی و حاکمیت با مقوله تکنولوژی برخورد اقتضایی، دفعتی یا سلبی بوده است که گاه رنگ و بوی تبلیغاتی و شعاری نیز به خود گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در جهان کنونی تکنولوژی به جزء لاینفک زندگی و حیات انسان‌ها و جوامع مبدل شده است و تصور زندگی بدون تکنولوژی بسیار دشوار می‌نماید. مخصوصاً برای کشورهای درحال توسعه، تکنولوژی و نوآوری تنها برگ برنده و تنها راه جبران و پر کردن شکاف تاریخی‌شان با کشورهای توسعه‌یافته است. دیدگاه‌های نظری مختلف در باب تکنولوژی مؤید آن است که تکنولوژی نه صرفاً ابزاری خنثی در دستان ماست که بتوانیم آن‌گونه که دوست داریم از آن استفاده کنیم و نه بازتاب محض ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی طراحان و تولیدکنندگان آن است. تکنولوژی چهره‌ای دوگانه و ژانوسی دارد؛ هم «بیم دهنده» است و باید در مورد آثار و دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی‌اش نگران بود و هم «بشارت‌دهنده»،

چراکه می‌توان از قابلیت‌های آن برای ایجاد جامعه دموکراتیک‌تر و بازسازی و احیاء هویت اجتماعی و فرهنگی استفاده کرد. لذا نباید تکنولوژی را به یکی از سویه‌های ژانوسی آن تقلیل داد چراکه تکنولوژی واحد، هم‌زمان وجوه فنی سخت‌افزاری و غیر فنی نرم‌افزاری (اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) را بازتاب می‌دهد و اینکه چه وجهی از برجسته شود بستگی به آن دارد که در چه بستر و زمینه‌ای و در دل چه گفتمان و نظام معنایی تفسیر شود.

فهم تکنولوژی به‌مثابه یک مسئله در ایران بدون توجه به «تاریخ اجتماعی تکنولوژی» و سیر تاریخی تکنولوژی در ایران ناممکن است. تاریخ اجتماعی تکنولوژی مخصوصاً تکنولوژی‌های مدرن در ایران معاصر معنایی خاص به این پدیده و پروبلماتیک شدن آن داده است. از طرف دیگر مباحث فلسفی و هستی‌شناختی دامنه‌دار در ایران در باب مواجهه با تکنولوژی همسو با دیدگاه محتوایی به ما هشدار می‌دهد که تکنولوژی تبلور عینی ارزش‌ها، منافع، باورها و ایدئولوژی‌های طرحان، سازندگان و تولیدکنندگان آن است لذا انتقال و کاربست آن باید با ملاحظات و دقت نظرهای خاصی همراه باشد. راه‌حل‌ها و چاره‌جویی‌هایی اندیشمندان ما از تأمل و تفکر در باب ماهیت تکنولوژی و جستجوی تکنولوژی تا قناعت و استفاده حداقلی یا مشروط از تکنولوژی همه در نوع خود ارزشمند هستند، باین حال نمی‌توان در سطح فلسفی و اونتولوژیک در مورد امکان، امتناع یا عملی بودن و سازوکار پیاده‌سازی راهکارهای ارائه‌شده اظهارنظر کرد بلکه باید پای در عرصه اجتماعی گذاشت و با انجام پژوهش‌های تجربی و میدانی این امکان‌ها و راهکارها را در بوته نقد و آزمون گذاشت. در کنار پژوهش‌های فلسفی و انتولوژیک با توجه به تأثیرات عمیق و ساختاری تکنولوژی در اجزای فرهنگ، انجام پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز ضرورت پیدا می‌کند. پژوهش‌هایی که نه‌تنها برای فهم این پروبلماتیک که برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در زمینه تکنولوژی ضروری به نظر می‌رسند. به‌طور کلی تلاش‌های صورت گرفته در حوزه‌های مختلف فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به دلیل جزیره‌ای بودن و عدم ارتباط ارگانیک با یکدیگر، نداشتن عمق و گاه نوپا بودن برخی از این حوزه‌ها در ابتدای راه قرار دارند. لذا به تاسی از دیدگاه‌های تلفیقی، برای فهم همه‌جانبه و زمینه‌مند سرشت متغیر تکنولوژی و دلالت‌های مختلف آن، اتخاذ دیدگاه میان‌رشته‌ای و پل زدن بین آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، موارد ذیل نیز پیشنهاد داده می‌شود: توجه به ملاحظات علوم انسانی و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی تکنولوژی در سیاست‌گذاری‌های علم و تکنولوژی، ارزیابی آثار اجتماعی و فرهنگی تکنولوژی و انطباق و

مواجهه با تکنولوژی: تأملی بر دیدگاه‌های نظری و تجارب ایرانی ۲۲۵

سازگاری تکنولوژی‌ها با نظام ارزشی و فرهنگ اجتماعات، توجه به روش‌های جامعه‌پذیری و نحوه اهلی سازی^۱ تکنولوژی‌های مدرن مخصوصاً توسط جوانان در بستر زندگی روزمره، افزایش سواد تکنولوژیک و سواد رسانه‌ای جامعه، بسترسازی برای درگیر شدن جامعه مدنی در موضوعات مرتبط با تکنولوژی، آینده‌نگاری تأثیرات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تکنولوژی در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی. در عرصه سیاسی و حاکمیتی نیز برای بهره‌گیری از همه مزایای تکنولوژی تغییر تلقی از ماهیت تکنولوژی، اتخاذ رویکرد سیستمی، هماهنگی بین نهادها و مراجع تصمیم‌سازی، اتکا به ظرفیت‌های داخلی، تأکید بر تعامل بیشتر دانشگاه، صنعت و دولت و ایجاد نظام ملی نوآوری، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان پیشنهاد می‌شود.



References

- Abdul Karimi, B. (2014). *Technology, disaster or power?* Eshrag magazine, 8-9: 186-178. [In Persian].
- Abdul Salam, M. (2016). *The flourishing of science in the Islamic world.* Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. Tehran. [In Persian].
- Barney, D. (2004). *The Network Society.* Cambridge, Polity
- Belu, D. S. (2005). *Thinking technology, thinking nature.* Inquiry, 48: 572-591
- Berger, J. (2008). *Cultural components of technology and its implications for adult education, Adult Education Research Conference.* <http://newprairiepress.org/aerc/2008/papers/10>.
- Bijker, W., Hughes, T. P., and Pinch, T. J. (1987). (Eds.). *The Social construction of technological systems: New directions in the sociology and history of technology.* Cambridge, MA: MIT Press.
- Bohrani, M. (2015). *Constructionism social studies of technology.* In Social studies of technology: Theoretical and interdisciplinary reflections. (ed.,) Reza Samim. Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian].
- Borandegi, B. (2014). *Cultural meaning of computer in Iranian social life: From 1991-2011.* Doctoral dissertation, Social sciences department. Faculty of Literature and Humanities. University of Isfahan. [In Persian].
- Brey, P. (2005). *Artifacts as social agents in inside the politics of technology agency and normativity in the co-production of technology and society.* Hans Harbers (ed.) Amsterdam University Press, Amsterdam.
- Brey, P. (2007). *Feenberg on modernity and technology.* Available at Andrew Feenberg's website: www.sfu.ca/~andrewf/books/Feenberg_Modernity_Technology.pdf
- Chaparak, A. (2012). *Evaluation the viewpoint of Soroush about technology.* [In Persian]. Methodology of Social Science and Humanities. 73: 153-174.
- Crawford, C. S. (2004). *Actor network theory, In: Ritzer G (Ed.) , Encyclopedia of Social Theory, Thousand Oaks, Sage, 1-3.*
- Davari Ardakani, R. (1988). *Philosophy in crisis. Tehran: Amir Kabir Press. [In Persian].*
- Davari Ardakani, R. (2000). *About the west. Tehran: Hermes. (In Persian).*
- Davari Ardakani, R. (2001). *Civilization and western thinking. Tehran: Saghei Publishing Institue. [In Persian].*
- Derakhshan, M., and Taklif, A. (2015). *The Transfer and development of technology in Iranian upstream oil sector: considerations on the concepts, requirements, challenges and remedies.* Iranian Energy Economics Research. 14: 33-88. [In Persian].

- Dowran, B. (2015). *Typology of social studies of technology in Iran*. In Social studies of technology: Theoretical and interdisciplinary reflections. (ed.,) Reza Samim. Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian].
- Dusek, V. (2006). *Philosophy of technology: An Introduction*. Blackwell Publishing.
- Farasatkah, M. (2009). *The adventure of university in Iran*. Tehran, Rasa Press. [In Persian].
- Farasatkah, M. (2015). A reflection on the socialization of technology in Iran. In Social studies of technology: Theoretical and interdisciplinary reflections. (ed.,) Reza Samim. Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian].
- Fazeli, N. (2007). *Cultural resistance to new innovations and technologies in Iran*. The Growth of Social Science Education, 36, 9-4. [In Persian].
- Fazeli, N. (2008). *Culture and university: Anthropology and cultural studies*. Tehran, Sales Press. [In Persian].
- Fazeli, N. (No. d). Computer as a sign and classroom. Retrieved: <http://www.farhangshenasi.ir/persian/node/620> [In Persian].
- Feenberg, A. (1991). *Critical theory of technology*. New York: Oxford University Press.
- Feenberg, A. (1996). *Marcuse or habermas: Two critiques of technology*. Inquiry, 39: 45-70
- Feenberg, A. (1999). *Questioning technology*. New York: Routledge.
- Feenberg, A. (2003). *Technology in a global world in: science and other cultures: issues in Philosophies of science and technology (eds) R. Figueroa and S. Harding eds.*, Routledge, 2003, pp. 237-251
- Feenberg, A. (2005). *Critical theory of technology: An Overview*. Tailoring Biotechnologies. 1: 47-64.
- Feenberg, A. (2009). *Critical theory of technology In, A Companion to the Philosophy of Technology (Eds,) Jan Kyrre Berg Olsen, Stig Andur Pedersen, Vincent F. Hendricks*, 146-153
- Ghaneirad, M. A. (2010). *Cultural dichotomies of technology (Cultural Sociology and technology Analysis)*. Journal of Iranian Cultural Research. 2 (4) : 107-146. [In Persian].
- Ghaneirad, M. A. (2015). *Socio-linguistic theory and two faces of Janus of Technology*. In Social studies of technology: Theoretical and interdisciplinary reflections. (ed.,) Reza Samim. Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian].
- Hardin, C., & Rottinghaus, A. R. (2015). *Introducing a cultural approach to technology in financial markets*. Journal of Cultural Economy, 8 (5) , 547-563.

- Heeks, R., & Stanforth, C. (2015). *Technological change in developing countries: opening the black box of process using actor-network theory*. Development Studies Research, 2 (1) , 33-50.
- Hess, D. J. (2019). *Science studies: An Advanced introduction*, New York University Press. Translated by Reza Hemmati. Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian].
- Hoodbhoy, P. (2005). *Islam and science. Translated by Peyman Matin and Eskandar Gorbani*. Tehran, Research and Development Institute of Humanities. [In Persian].
- Ihde, D. (1998). *Philosophy of technology: An introduction. Translated by Shapour Etemad*. Markaz Press. [In Persian].
- Ismaili, M. J. (2007). *Sociology and semiology of cars: Iranian youth and cars*. The growth of social science education, 36: 30-35. [In Persian].
- Jafari, P., and Samiie Nasr, M. (2009) *Providing a model for effective transfer of technology in iran's automotive industries*. Journal of Future Management Studies. 20 (81) : 159-169. [In Persian].
- Kellner, D. (2001). *Feenberg's questioning technology*. Theory, Culture & Society, 18 (1) , 155-162
- Law, J. (1992). *Notes on the theory of the actor network: ordering, strategy and heterogeneity*, Systems Practice, 5 (4) , 379-393.
- Mahboubie Ardakani, H. (1991). *History of new civilizational institutes in Iran*, Vol. 1, Tehran University Press. [In Persian].
- Mahouzi, R. (2015). *An analysis of the encountering of native culture and knowledge with western new technologies in Iran*. In Social studies of technology: Theoretical and interdisciplinary reflections. (ed.,) Reza Samim. Institute for Social and Cultural Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian].
- Mansouri, R. (2007). *The Traditional concept of science and its consequences*. Etemad Newspaper, N 1494. [In Persian].
- Mirbagheri, S. M. M. (2004). *The Intellectual system. Qom: Islamic Sciences Academy. [In Persian]*.
- Mirbagheri, S. M. M. (2010). *Interactive approach to technology: a critique of modern technology*. Kayhan Newspaper, N 19629 and 19635. [In Persian].
- Nasr, S. H. (1980). *Science and civilization in Islam*, Translated by Ahmad Aram. Tehran: Kharazmi Press. [In Persian].
- Nasr, S. H. (2004). *Delbakteye manaviat*, Translated by Manoochehr Dinparast. Tehran: Andisheie Dinie Moaser Press. [In Persian].
- Nasr, S. H. (2012). *Islam, science, Muslims and technology*. Conversation with Muzaffar Iqbal. Translated by Hossein Karami, Tehran: Research Center for Culture and Thought. [In Persian].

- Parvin, S., Kalantari, A., Moradi, A. (2015). *Metro and everyday life (case study of Tehran city)*. Iranian Journal of Anthropological Research. 5 (2) : 116-99. [In Persian].
- Paya, A. (2006). *The future of humanities in Iran*. Methodology of Social Science and Humanities. 12 (49) : 9-24. [In Persian].
- Paya, A. (2007). *Critical considerations about the concept of religious knowledge and indigenous knowledge*. Wisdom and Philosophy. 2-3: 39-76. [In Persian].
- Paya, A. (2009). *An Iranian-Islamic model of development: is it feasible?* Methodology of Social Science and Humanities. 60: 31-60. [In Persian].
- Postma, D.JvR. (2009). *Deepening and broadening the critique of technology: An analysis of an ANT approach*. Unpublished Dissertation. University of Pretoria.
- Prout A. (1996). *Actor-network theory, technology and medical sociology: an illustrative analysis of the metered dose inhaler*. Sociology of Health and Illness, 18 (2) , 198-219.
- Salazar-Acosta, M., & Holbrook, A. (2012). *Some notes on theories of technology, society and innovation systems for S&T policy studies*. A Report on the Economic Competitiveness of the District of North Vancouver blogs. Available it: sfu.ca/departments/cprost/wp-content/uploads/2012/.../0802.pdf
- Shahabi, M., Hoshangi, T. (2012). *Youth and the car culture: analysis of meanings, motivations and functions of personal cars among Tehran's youth*. Journal of Social Sciences, 58: 111-147. [In Persian].
- Sharifzadeh, R. (2016). *Technology, agency and decision*. *Rahbord Farhang*. 9 (34) : 115-136. [In Persian].
- Sharifzadeh, R. (2018). *Negotiating with the Things: Bruno Latour and the Actor-Network Theory*. Tehran, Nye Press. [In Persian].
- Shayegan, D. (1976). *Asia against the west*. Tehran. Amir Kabir Press. [In Persian].
- Slack, J. D., & Wise, M. (2005). *Culture and technology: A Primer*. Second edition. Peter Lang Publishing, Inc., New York.
- Soroush, A. (2009). *Tafarruj-e Sun'*. Tehran: Serat Press. [In Persian].
- Tavakol, M. (2011). *Sociology of technology*. Tehran, Jameeshenasan Press. [In Persian].
- Veak, T. (2006). *Democratizing Technology: Andrew Feenberg's Critical Theory of Technology*. State University of New York.
- Veak, T. (2000). *Whose technology? Whose modernity? questioning feenberg's questioning technology*. Science, Technology, & Human Values, 25 (2) : 226-237.
- Vermaas, P., Kroes, P., Poel, I., Franssen, M. (2012). *A Philosophy of technology: from technical artefacts to sociotechnical systems*.

Translated by Mostafa Taghavi and Farrokh Kakaee. Tehran: Book of Ameh. [In Persian].

- Winner, L. (1983). *Upon opening the black box and finding it empty: social constructivism and the philosophy of technology*. Science, Technology, & Human Values 18 (3) : 362-378.
- Zarshenas, S. (2004). *Modern science is collapsing*. Baztab Andisheh, 52. [In Persian].



Stigmatization of the Nukan Informal Habitat in Kermanshah

Siavash Gholipoor^{*}, Nader Amiri^{**}, Sara Korani^{***}

Submitted: 07/07/2018 Revised: 01/02/2019 Accepted: 09/04/2019

Abstract

This article seeks to examine the process of stigmatization of the Nukan neighborhood within Kermanshah. The theoretical framework is based on Rob Shields' concepts of "social spatialisation". Shields considers the process of constructing meaning of a space to be a result of the objective procedures of everyday life that construct suppositions about meaning and form space-myths through various ways. The research method is ethnography and the data collection technique includes participatory observation and intensive interviews. The findings of the survey indicate that Nukan has topographically isolated geography and that some social borders have intensified this dissociation. Different procedures have a role in labeling Nukan as such. By announcing the image space to be "rural," the municipality avoids providing any service to the area. By labeling the area as "violent" as well as a "crime hotspot," the police force avoids interference in quarrels. The Department of Education declares students of schools within Nukan to be "chaotic" and "abnormal." Also, by not providing the essential substructures, they transfer students of certain grades to other regions, which results in even more labeling when students get into quarrels in those regions. On another hand, taxi drivers, shopkeepers, tenants and women gathering in alleys to talk and pass time propagate and sustain such suppositions. In conclusion, in the process of Nukan's stigmatization, not only coarse language and impressions, but also people's behaviors in everyday life play a decisive role.

Keywords: stigmatization, image space, social exclusion, spatialisation, Nukan.

* Assistant Professor of Sociology, Razi University, (Corresponding Author).

Gholipoor.sia@gmail.com

** Assistant Professor of Sociology, Razi University. amirinad@gmail.com

*** Master of Sociology, Razi University. Korani.sa.sa@gmail.com

Technocratic Builders and Value Creation: the Struggle for Interest and Credit; a Case Study of Social Agents in the Mashhad Housing Market

Masoud Chari Sadegh^{*}, Ahmadreza Asgharpourmasouleh^{},
Gholamreza Seddigh Ouraee^{***}, Mahdi Kermani^{****}, Mahdi Feizi^{*****}**

Submitted: 15/03/2018 Revised: 28/09/2018 Accepted: 03/10/2018

Abstract

This study explores the action, conditions governing the action, practical factors, and strategic approaches of the builders in the housing market. It is an exploratory, qualitative, applied, and cross-sectional research. Accordingly, a systematic analysis of the in-depth interview with 25 people in the housing market in Mashhad was conducted using the Strauss and Corbin's ground theory method. As a result, 256 sub-categories were obtained, and after several coding steps, finally, based on selective coding, the central phenomenon was called "technocratic builders in the struggle for interest and credit". The obtained paradigmatic model included a set of conditions. For example, ground conditions have been formulated as "the economic situation of the metropolitan of Mashhad" and "socio-cultural changes in the pattern of urban housing". Interventional conditions include "decline expertise of housing construction", and "the evolution of the share of land value in housing prices". Causal conditions include "the ability to manage multiple activities", "having the necessary capital or the possibility to absorb it" and "awareness of market conditions". Taking strategies such as "participatory construction", "continuous construction" and "change in construction pattern" lead to the consequences like the "periodic ups and downs at the level of builder performance", "involving with the challenge of balancing profit and loss".

Keywords: Housing builders, housing supply, housing market agents, interest, grounded theory.

* PhD of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad. charimasoud@gmail.com

** Assistant Professor of Economic Sociology in Ferdowsi University of Mashhad, (Corresponding Author). asgharpour@um.ac.ir

*** Assistant Professor of Economic Sociology in Ferdowsi University of Mashhad. ouraee@um.ac.ir

**** Assistant Professor of Economic Sociology in Ferdowsi University of Mashhad. m-kermani@um.ac.ir

***** Assistant Professor of Economics in Ferdowsi University of Mashhad. feizi@um.ac.ir

Reception of Rural Women in Television Series: The Case of Rural Women of Eastern Miankouh of Pol- e-Dokhtar and the TV Series Gozar Az Ranjha (Passing through Sufferings)

MohammadHossein Panahi^{*}, AliAhmad RafieiRad^{1},
Marzieh Mohammadi^{2***}**

Submitted: 30/05/2017 Revised: 08/11/2018 Accepted: 15/12/2018

Abstract

This study was conducted to investigate the reception of rural women of Eastern Miankouh of Pol-e-Dokhtar in Iran from the TV series Gozar Az Ranjha (Passing through Sufferings), which was broadcasted from channel one of the Iranian National TV (IRIB TV1) during the winter of 2014. A sample of 21 women were selected purposively, and semi-structured interviews were conducted to collect the data. The criterion for determining the sample size was theoretical saturation. To analyze the data, thematic analysis was used. The findings indicate that the women, in various social situations, actively received the dominant discourse of the film series. In fact, the type of decryption was in a spectrum that we categorized as oppositional, hegemonic and negotiated positions. The results showed that the rural women made modifications based on their own discourse access in the values and ideals of the text, discussed by them based on their own social and cultural milieu. They modified the meanings of the dominant discourse, including dual contrasts, ideal type of womanhood and psychological orientation based on their position, and they expanded and developed new meanings, such as “the decisive role of men” and “escape from sufferings”. The series attracted the rural audience for entertainment, earning pleasure, participating in group discussions, identification with the roles, etc. Overall, the findings support the theory of ‘active audience’ even for the case of the studied rural women.

Keywords: Type of audience reception, rural women, Eastern Miankouh, Gozar Az Ranjha TV series

* Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)
mpanahi2@gmail.com

** PhD Candidate of Cultural Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
a.ahmad.r.rad@gmail.com

*** PhD Candidate of Social Work, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
lelamohamadi@gmail.com

Identity Styles and Value Orientations Case Study of the Youth of Sanandaj City

Yaghoub Ahmadi*

Submitted: 15/07/2018 Revised: 04/11/2018 Accepted: 15/12/2018

Abstract:

The present study is essentially a research in the field of social psychology and studies the status of youth value orientations in Sanandaj (18-29), which reflects the transcendental and desirable goals and their priorities and beliefs in relation to identity styles. The research method is descriptive-analytic, correlative, applied, survey and cross-sectional (second half 2018). The sample size was 345 and sampling was done by multi-stage cluster sampling. The empirical findings indicated a significant and positive relationship between the style of information identification with the dimensions of openness to change and the index of success in the self-enhancing dimension of cultural values; a normative style with a conservative dimension and finally, the style of diffused identification with cultural values in relation to emphasis on individual interests such as values related to self-improvement. Theoretically, it can be pointed out that, despite the focus on distinct aspects, there is a kind of theoretical and content integrity and overlapping hypotheses, especially in relation to human motivations in these two typologies (identity styles and cultural values) and theoretical discussion in direction of the self, identity and culture. Such a situation can most often be construed as Weberian debate as "selective relationship" (Saboori, 2009) between identity styles and cultural values.

Keywords: Value, culture, cultural values, identity, identity styles

* Associate Professor of Sociology, Payamnoor University. Yahmady2001@yahoo.com

Sociological Study of the Emergence of Unhappiness in the Students' Mental Arena: Case Study of the Students of Allameh Tabataba'i University

Saeedeh Amini*, **Mostafa Farzaneh****

Submitted: 05/03/2018 Revised: 21/07/2018 Accepted: 20/08/2018

Abstract

Emotion in the field of sociology has been considered as a social structure, therefore, it can be concluded that social factors play a pivotal role in its development and interpretation. The present study intends to draw attention to the issue of unhappiness as an important emotion from the sociological point of view and to examine its social backgrounds among university students. On the basis of theories in the realm of sociology of emotions (Symbolic Interaction, Ritual Interaction, Human Social Exchange, Dramaturgical Theory, Power and Social Base), this survey has been conducted as quantitative research on the sample of 381 students from Allameh Tabataba'i University who were selected through the stratified sampling method. The results showed a significant relationship between unhappiness and the variables of their place of residence and place of education. Therefore, the students who lived in dormitories felt more unhappiness than dwellers whose families were in the city where they studied and the self-supporting students of independent campuses. Furthermore, the relationship between the main independent variables (inability to manage emotions, social rejection, distrust, social unconformity, and feeling powerless) and unhappiness was meaningful. Feeling powerless, inability to manage emotions and social unconformity explained the most variance of unhappiness respectively.

Keywords: inability to manage emotions, distrust, feeling powerless, social unconformity, unhappiness.

* Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, (Corresponding Author). saeedeh.amini280@gmail.com

** Master of Sociology, Allameh Tabataba'i University. tahafarzaneh@gmail.com

Causes and Contexts of the Tendency Toward New Spirituality in Iran: A Survey of Tehran

Sedigheh Ramezani*, Abutorab Talebi**, Bagher TalebiDarabi***

Submitted: 17/02/2018 Revised: 17/06/2018 Accepted: 24/06/2018

Abstract

From the seventies onwards, Iran saw the emergence of New Spirituality and the increase in the tendency towards it, primarily confined to fringe groups which later on spread rapidly among different classes. The present study examines the causes and contexts of this tendency among different groups of citizens in Tehran by using the factors mentioned in various theoretical approaches. To achieve this goal, 23 semi-structured interviews were first conducted with New Spiritualists. Then, according to the results of the interviews, a questionnaire was designed and distributed among 600 citizens of Tehran. Sampling was done purposefully in the qualitative section and randomly from the blocks of Tehran in the quantitative section. The interviews were analyzed by the thematic analysis method, and the quantitative data were processed through the SPSS software and various tests such as Pearson correlation and linear regression. The results indicated a significant relationship between five factors and the tendency towards new spirituality. The ethical stress, emotionalism, access to new spirituality, and experiencing suffering had respectively the strongest to the weakest direct relationships and deprivation had a reverse relationship.

Keywords: New spirituality, cognitive tendency, psychological tendency, practical tendency, religiosity

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* Ph.D in Cultural Sociology, Allameh Tabatabai University, (Corresponding Author).
sedigheh_ramezani@yahoo.com

** Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. tatalebi@yahoo.com

*** Assistant Professor, Department of Religology, Faculty of Religions, University of Religions and Denomination. b.t.darabi@gmail.com

Encountering Technology: Reflections on Theoretical Perspectives and Iranian Experiences

Reza Hemmati*

Submitted: 13/12/2017 Revised: 07/11/2018 Accepted: 15/12/2018

Abstract:

At the present time, technology has become an integral part of the social existence of humans and the most important factor in the social transformation of societies. However, different societies have shown different responses to technology due to their cultural capabilities. Some societies with an appropriate understanding of the nature of modern technology have used it as an incredible opportunity for their progress. Others have adopted technology contingently and are now struggling with various cultural consequences. The main question of the present article is this: what has been the nature and quality of our encounter with technology, and what analyses and solutions have been provided by our thinkers in this regard? To answer these questions, firstly, several views on technology were put forth and their strengths and weaknesses were elaborated in detail. Then, from a historical, philosophical, social, cultural, and political point of view, the encounter of our society with modern technology has been analyzed. The results showed that in addition to the paradoxical approach to technology in our society, systematic efforts to understand the problematic of technology have not been made. In this regard, in order to understand technology in the context of the Iranian society, attention to the social history of technology and the adoption of an interdisciplinary approach is needed.

Keywords: Technology, the paradox of technology, Janusian thinking

* Assistant Professor of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. rhemati@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Contents

Stigmatization of Nukan Informal Habitat in Kermanshah

Siavash Gholipoor , Nader Amiri , Sara Korani231

Technocratic builders and value creation: the struggle for interest and credit; a case study of social agents in the Mashhad housing market

Ahmadreza Asgharpouemasouleh, Masoud Chari Sadegh, Gholamreza Seddigh Ourae , Mahdi Kermani , Mahdi Feizi232

The Reception of Rural Women from Television Series: The Case of Rural Women of Eastern Miankouh of Pol-e-Dokhtar and the Serial of Gozar Az Ranjha (Passing through the Sufferings)

MohammadHossein Panahi , AliAhmad RafieiRad , Marzieh Mohammadi 233

Identity Styles and Value Orientations (Case Study: Youth of Sanandaj City)

Yaghoub Ahmadi234

Sociological Study of the Emergence of unhappiness in the Students' Mental arena (Case study: Allameh Tabataba'i University students)

Saeedeh Amini , Mostafa Farzaneh235

causes and contexts of tendency to new spirituality in Iran)Survey of Tehran

Sedigheh Ramezani , Abutorab Talebi , Bagher Talebi Darabi236

Encountering with Technology: Reflections on Theoretical Perspectives and Iranian Experiences

Reza Hemmati237

Scientific Reviewers of the Current Issue (Alphabetized)

Masood Alami Neisi	Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University
Mohammad Amirpanahi	Assistant Professor of Sociology, University of Tehran
Marzieh Ebrahimi	Assistant Professor of Sociology, University of Tehran
Ebrahim Ekhlasi	Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University
Jafar Hezarjaribi	Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University
Reza Omid	Assistant Professor of Social Planning, University of Tehran
Satar Parvin	Assistant Professor of Social Work, Allameh Tabataba'i University
Mahmood Taghizadeh Davari	Associate Professor of Philosophy, Allameh Tabataba'i University
Mohammad Tavakol	Professor of Sociology, University of Tehran
Seyed Mohammadmahdi Khoei	Assistant Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University
Saeed Shah Hosseini	Assistant Professor of Communication, Arak University
Siavash Salavatian	Assistant Professor, School of Communication and Media, University of Seda o Sima
Mansour Fathi	Assistant Professor of Social Work, Allameh Tabataba'i University
Seyed Mohammad Mirsondosi	Assistant Professor of Sociology, Imam Hossein University
Mohammad Mirzaee	Professor of Demographics, University of Tehran
Abolfazl Morshedi	Ph.D. Candidate of Sociology, University of Tehran
Nahal Nafisi	Assistant Professor of Cultural Anthropology, Allameh Tabataba'i University

Editorial (Alphabetized)

- Abotorab Talebi** Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University
- Ahmad Naghibzadeh** Professor of Political Sciences, University of Tehran
- Ali Akbar Tajmazinani** Associate Professor of Social Policy, Allameh Tabataba'i University
- Ardeshir Entezari** Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University
- Gholamreza Latifi** Associate Professor of Urban Planning, Allameh Tabataba'i University
- Mehdi Mohsenian Rad** Professor of Communication, Imam Sadiq University
- Mohammad Hossein Panahi** Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University
- Mohammad Mirzai** Professor of Demography, University of Tehran
- Mohammad Zahedi Asl** Professor of Social Work, Allameh Tabataba'i University
- Mohammadtaghi Karami** Associate Professor of Women Studies, Allameh Tabataba'i University
- Morteza Farhadi** Professor of Anthropology, Allameh Tabataba'i University
- Morteza Kotobi** Professor of Sociology, University of Tehran
- Seyed Mohammad Seyed-Mirzaee** Professor of Sociology, Shahid Beheshti University

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی



Allameh Tabataba'i University
Faculty of Social Sciences

QUARTERLY JOURNAL OF SOCIAL SCIENCES

Vol. 25 , No. 83 , Winter 2019

A Publication of The Faculty of Social Sciences
Allameh Tabataba'i University

Executive Editor: Mohammad Saeed Zokaei, PhD

Editor-in-Chief: Ardeshir Entezari, PhD

Executive Manager: Ebrahim Ekhlesi, PhD

English Editor: Zahra Hedayati

Editor, Typesetting and Layout: Fardin Darabi

According to the letter No. 3/4869 dated 3-09-2007 from the Commission for Evaluation of Iranian Scientific Journals, the Ministry of Science, Research and Technology, *The Quarterly Journal of Social Sciences* published by Allameh Tabataba'i University has been granted the rating of "Scientific-Research".

* *The Quarterly Journal of Social Sciences* calls on all researcher professors and specialists in the field of social sciences for providing research articles.

* The Editorial Board and Scientific Advisers analyze all the received articles and reserve the right to accept, publish or reject them, to make all editorial changes as deemed necessary and to arrange articles in an appropriate way.

* Authors are responsible for the contents of their articles.

* The articles which discuss Iranian social problems are given priority to other ones.